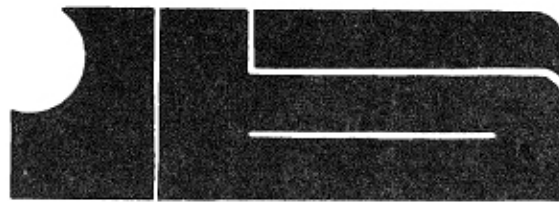


با تمام توان خود ماهیت  
ارتجاعی جنگ را افشا، و با  
مقاومت مسلحانه از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

پنجشنبه ۶ آذرماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۶

### ● سرمقاله

## “دموکراسی” اسب طلائفی لیبرالیسم!

رقابت لیبرالها با سران حزب  
جمهوری اسلامی را ابتدای استقرار حکومت  
جمهوری اسلامی تاکنون، مراحل مختلفی را  
طی نموده است. در اوایل که هنوز بحران  
اقتصادی و سیاسی جامعه و نا رضایتی  
توده ها، بدرجه فعلی عمیق نیافته بود و از  
سوی دیگر هنوز میشد از لیبرالها بعنوان  
قدرت رسمی مسلط در حکومت یاد کرد،  
آنها مخالفان را با عملکردهای حزب  
جمهوری اسلامی عمدتاً تحت عناوین نظیر  
“داخلت عوامل غیر مسئول و غیر قانونی  
در امور دولت” و “وجود قدرتهای چند  
گانه مطرح میکردند. در آن زمان لیبرالها  
در نطق ها و مناظرات متعدد خود، توان  
ضرورت تأمین آزادی و “دمکراسی” قدرت  
سخنمیرا نداشتند. زیرا آنچه که آنان را نگران  
میکرد، تنها بحران شدن روزافزون آزادیهای  
سیاسی و حقوق فردی و اجتماع مردم، بلکه  
مقاومت جوشی ها و حزب جمهوری اسلامی  
بود که برای حفظ و گسترش موقعیت و  
موضع خود در برابر لیبرالها، مانع مهمی  
محسوب میشد. طیف لیبرالها، که تا آغاز  
“مسأله گروگانها” توسط بازرگانان این  
لیبرالها، شناس و سرما به دار نگهنگار  
و با تجربه رهبری میشدند، تلاشهای  
وسیع را در وجه آغاز کردند و ادامه  
دادند. آنها از یکسوکوش کردن بحران  
اقتصادی و سیاسی را حل نموده و بیسبک  
دوران ثبات سیاسی و رونق اقتصاد را  
برپا به احیاء سلطه امپریالیسم، تجدید  
سازماندهی تولید اجتماعي بفتح سرمایه  
داران و مملکتین و فتوحات آنها و فریب و سر-  
کوب کارگران و دهقانان و مملکتی کردن  
تشکلها و سازمانهای توده ای در ایران  
برقرار سازند و از سوی دیگر با رهسای  
بقیه در صفحه ۲

## انقلاب برای چه بود؟

از سوی دیگر به جناحهای بورژوازی -  
حاکم هشدار میدهد که دست از اختلافات  
و کشمکش های خود بردارند، و کاری نکنند  
که اعتماد توده ها نسبت به حاکمیت  
سلب شود، توهینات آنها در هم بشکند،  
و اجازه ندهند که سرخوردنها و کشمکشهای  
درونی به مرحله ای برسد که نا رضایتی  
توده ها از درون این تضادها و شکافها  
زبان بگشاید.

هر زمان که نا رضایتی عمومی  
توده ها اوج میگیرد و در کشاکش افت و  
خیزهای مبارزه طبقاتی، مرحله  
نازدهای از عمق و گسترش بحران فرا  
میرسد، آیت الله خمینی نطقی ایراد  
میکنند و ضمن آن از یکسویه توده ها  
گوشزد می کنند که انقلاب برای اسلام بود  
و نه چیز دیگر، بنا بر این توده ها حتی  
ندارد صحنه ای از زندگی بهتر، و از استقلال  
کارمکن و آزادی بیگان آوردند.

بقیه در صفحه ۱۳

### “تخصص و مکتب” دستاویزی برای کسب قدرت پیشیتر

این روزها شاهدیم برعکس ما همای  
گذشته که “حزبیون” با سودجویی از  
بسیج توده ها حرف خود را به پیش می بردند  
و مواقع خود را تحکیم میکردند، این بار،  
لیبرالها هستند که با استفا ده از  
رضایتی فزاینده مردم که عمدتاً در شکل  
گرایشات ضدآخوندی جلوه می کند و با  
سودجویی از موقعیت جنگی به توهم توده  
ها در مورد ارتش و... سعی در تحکیم  
مواقع خود و کوییدن “حزبیون” دارند.  
اینک شاهدیم که سران حزب استمرار  
بقیه در صفحه ۱۵

### ● از نظر رهبران جمهوری اسلامی ابقاء قرارداد های تحمیلی “احتیاج” بوده است!

صفحه ۶

### رهبران جمهوری اسلامی به شکنجه انقلابیون و آزادی کودکان چنان مزدور اعتراف می کنند!

هر چه دعواهای درونی هیئت حاکمه  
بیشتر میشود، زحمتکشان میهن ما از حقایق  
آگاه میشوند که برای آنها نکان دهند  
است و بهتر چهره واقعی رهبران جمهوری  
اسلامی را میشناسند.  
چندی پیش بنی صدر که اکنون علاوه  
بر سازماندهی ارتش، پلیس، ژاندارمری  
و دیگر ارگانهای سرکوب و بازسازی و تهنیز  
آنها سعی میکند توده ها را نیز با حیل های  
گوناگون بسوی خود جذب کند تا رقیب  
خود حزب جمهوری اسلامی را بی اعتبار  
بقیه در صفحه ۱۹

### ● نمایندگان مجلس از منافع چه کسانی دفاع می کنند؟

صفحه ۷

### در این شماره:

- هسته های سرخ کارخانه
- یک ارزیابی کوتاه از نظریات توده ها
- اتحاد مردم و دانش آموزان ماسوله
- اعلام موجودیت تشکلات اراک

تنها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
با هرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

# "دموکراسی" اسب طلایی لیبرالیسم!

بقیه از صفحه ۱

لازم برای تحقق این هدف را از طریق تجدید سازمان و تمرکز مجدد دستگاه دولت و بویژه راه کارهای سکوینتلیس ارتش، پلیس و زندانها بنفع لیبرالها فراهم آورند. اما این نوع تلاشهای لیبرالی، عمدتاً، در هر دو زمینه با شکست مواجه شد.

با لارتن تعداد دیکاران، رشد تورم و گرانی... بحران اقتصادی بدنیسالی آن بحران سیاسی را درجا معه گسترش داد این وضع زمینه های عینی لازم را برای آنها جم حزب جمهوری اسلامی فراهم آورد، در نتیجه، تجدید سازمانهای رگانه های سرکوب و تمرکز قوای دولتی، آنطور که مدنظر لیبرالها بود صورت نگرفت.

سقوط دولت یا زرگان و سپس آغاز فعالیت مجلس شورای اسلامی که در آن نمایندگان حزب و موثلفین کثرت قاطعی وارد دست داشتند، بعنوان نقطه عطفی در مناسبات میان لیبرالها و حزب جمهوری، تعادل قوای در هیئت خاکمه بنفع رهبران حزب تغییر داد. حزب جمهوری بتدریج بصورت قنمدت مسلماندار اکثریت رگانه های دولتی ظاهر شد. قدرت حزب به قدرتی "قانونی" تبدیل شد. بنی صدر که لیبرالها این بار در وجود او رهبری زی-سرک و هوشیار را برای خود یافته بودند، کوششی زیادی را برای جلوگیری از تسلط حزب بر ارگانهای دولتی بکار برد، اما هر روز کمتر از قبل در این زمینه موفقیت نصیب او و بطوری که انگسئون تا هدا نیم که در هر سه قوه یعنی قوه مقننه قوه قضائیه و قوه اجرا، حزب جمهوری اسلامی دست با لارا داشته و قدرت برتر محسوب میشود. متناسب با رشد چنین وضعیتی، لیبرالها که سرنوشت خویش را در دستگاه دولتی میبیم دیده و با نسی توانستند آینده روشنی را برای خود محو بر نمابند، سعی کردند از موضع خود تدا قعی توده ها را بسوی خود جلب نمایند آنها با آگاهی با این مطلب که افزایش قدرت حزب جمهوری اسلامی در ارگانهای دولتی بردا منته بحران اجتماعیهی بسین دست های سیاسی و اقتصادی شدت خواهد افزود و نیز تا رضایتی توده ها گسترش یافته و بیش از پیش از سیاست های حزب جمهوری اسلامی رویگردان خواهند شد.

با انگشت گذاشتن و تکیه بر خواسته های توده ای، کوشیدند این بار هدفهای انقلابی و ضد مردمی خود را تحت پوششها و شعارهای جدیدی به پیش برند. بهین جهت متناسب با محدود شدن گاهش نقش لیبرالها در ارگانهای حکومتی، شاهد آن بودیم که لیبرالها سعی کردند با اشاعه توهمات دمکراتیک در میان توده ها، بمنابا به دمکراتهای انقلابی و کسانی که بشدت در مقابل جفا فات حزب

جمهوری اسلامی از خود ایستادگی نشان داده و حاضریه پذیرش اختناق و سانسور و بطور کلی بیامال شدن آزادیهای سیاسی و حقوق اجتماعی نیستند و نمود سازند. بطوری که اکنون داد و بیداد محافل لیبرال در مورد "آزادی" و "دمکراسی" و "قانون" کوش فلک را کمر نموده است. رئیس جمهوریت مدریمتوان پرچمدار لیبرالیسم، هر چند وقت یکبار با زمینبندیها و سخنرانیهای بیباید و بیگانه میگرداند و حتی در رابطه با زندانیان سیاسی از وجود شکنجه ها و زندانهای متعدد سخن میگوید و تنها راه حل برای خروج ازین بست ها و بحرانهای گوناگون اجتماعیهی اقتصادی را، برقراری آزادی، لغو سانسور، بحث آزاد، رعایت قانون اساسی و...

عنوان میکند. اما بسیاری از مردم از خود میبرستند که آقای بنی صدر و مجموعه لیبرالها چرا تا کنون وقیل زانگسه امتیازات و قدرت برتر خود را در دستگاه دولتی از دست بدهند، این چنین طرفدار "سینه جاگ" آزادی و دمکراسی نبوده اند؟ چرا وقتی که خود بیکار از میمان بودند برای مردم دل نمی سوزاندند؟ چرا درست در این مقطع زمانی قریب "آزادی خواهی" آنان به عرش اعلا رسیده است؟ آیا بنی صدر، همان کسی نیست که سر کوب خویشی خلق ترکمن به توپ بسین خانموکا شانه، زحمتکش ترکمن محرابا در بحث آزاد تلویزیونی، از افتخارات ریاست جمهوری خویش اعلام میداشتند؟ آیا او همان نیست که بوده شدن و سرور خدا انقلابی چهارتنی از فرزندان راستین و رهبران خلق ترکمن را توسط باند های سیاه حزب جمهوری اسلامی، با ستمالی و توجیه میکرد؟ با در آن زمان حقوق اجتماعیهی مردم ترکمن صحرا را از ادیهای سیاسی در ایران بخطر نیفتاده بود؟ آیا در تحمیل جنگ و سرکوب های خونین خلقهای زحمتکش ایران، لیبرالها نقش نداشته اند؟ یا دست بنی صدرها باز رگانه ها، و... کمتر از رهبران حزب جمهوری اسلامی بخون دانشجویان مبارز و انقلابی و بهترین و شایسته ترین فرزندان خلق آغشته گشته است؟ چرا او در مقابل دستگیری قطب زاده بزرگترین عکس العمل ها را نشان داده اما در برابر اعدام دهها تن از انقلابیون و شکنجه و زندانی شدن هزاران تن زیسته ترین فرزندان خلق تبسم میکند؟

چنین است چهره واقعی لیبرالها که اینک بنا بر مقتضیات زمان و بسرای کسب کرسی های بیشتر در مجلس و اختصاص پستهای بالای دولتی، خود، آنرا زیر انبوهی از لفاظی های عوام فریبانه و لیبرالی می یوشانند؟ خنده آور است،

کار بجای رسیده است که حتی قطب زاده این مرد هزار چهره که هیچگاه نمیتوان خوش خدمتی های فراوان او را به امیرالایسم آمریکای فراموش کرد، "دمکرات" از آب درآمده و مخالف سا سور در ادیو تلویزیون و مطبوعات شده است! آری شوخی تاریخ است که سا سورچی معروف (اکنون کار زیستهای مهم دولتی برکنار شده است)، با ستاب و تابی ما شنیدی به مخالفت با سا سور برخاسته و آزادی های سیاسی دم میزند!

اما واقعیت آن است که لیبرالها به همان میزان "آزاد میخواه" و "دمکرات اند" که سران حزب ضد امیرالایسم، لیبرالها همانقدر برای تحقق آزادی و دمکراسی "مبارزه" میکنند که سران حزب در زمینه مبارزه ضد امیرالایسمی! با انجام می رسانند. هر دو جناح در مبارزه برای آزادی و در مبارزه ضد امیرالایسمی کوشش میکنند، تنها با آن درجه جلوه و بندگی منافع سرما به داران زمینداران ایجاد میکنند.

شعارهای فرمیستی این دو جناح چه در زمینه دمکراسی و چه در زمینه مبارزه علیه امیرالایسم، در واقع مانند شعارهای عوام فریبانه سرما به داران روز میندارانی است که میخواهند در زندگی روزمره، بدر شرایط بحران سیاسی، مبارزه کارگران و دهقانان را در چرخه اجوب منافع طبقاتی خود بزرگتر در آورند.

لیبرالها بنا بر ویژگیهای خود، از آنستهای دمکراتیک توده ها و آزادیخواهی آنان استفاده میکنند، اما همین گنه سخن زشورا های دمکراتیک کارگری و دهقانی بمان آورده شود، وحشت زده بمخالفت برخاسته و آنرا "بیجا اختلال در تولید" هرج و مرج اجتماعیهی مینامند. دمکراسی در قبال لیبرالها درست در نقطه مقابل مبارزه توده ها علیه ستم و استعمار سرما به داران و زمینداران قرار دارد. هر جا که مبارزه ای واقعی برای تحقق دمکراسی جریان یابد، بسرای لیبرالها هرج و مرج ظلمی است. هر جا که آنها قادر باشند این نوع "هرج و مرج ظلمی" را بنظم مورد دلخواه سرما به داران و زمینداران وابسته تبدیل کنند دمکراسی دیگر برای آنها بی معناست. لیبرالها همواره آماده اند که برای ایجاد چنین نظمی هزاران تن از توده های محروم و زحمتکش را بخاک و خون کشند و لحظه ای تردید در سپردن بهترین فرزندان خلق و پیگیرترین دمکراتهای انقلابی به جوجه های اعدام، بخود راه ندهند. این است معنای واقعی دمکراسی و آزادی که امروز لیبرالها با هزاران بوق و کرنش تبلیغ میکنند.

اکنون میهنمان شرایط حساسی را بقیه در صفحه ۱۹

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

# هسته‌های سرخ کارخانه

## بمثنایه سنگ زیربنای حزب پروتوری

مقدار زیادی می‌افزایند. این هسته‌ها از طریق ارتباطات وسیعی که با توده‌ها دارند می‌توانند فعالیت مخفی را در چهره وسیع‌ترین خواسته‌ها و دقیق‌ترین نظریات توده‌ها قرار دهند.

و این بدان معنی نیست که در تمام شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، ملزم به اجرای دکماتیک آن باشیم. با تعدیل و یا تشدید خفقان، جنبه‌های مختلف سازمان‌دهی باز بسته، شدت و ضعف می‌یابند. مثلاً به موازات تعدیل خفقان و برخی آزادیهایی دموکراتیک، سردامنه فعالیت علنی افزوده می‌گردد. با تبدیل اعتصابات اقتصادی به سیاسی، فعالین صنفی نیز باید کار سیاسی بپردازند. و سهمین ترتیب در شرایط غلبان انقلابی توده‌ها، هسته مخفی و علنی در هم ادغام شده و رهبری جنبش کارگران را بعهده می‌گیرند.

همچنین، در شرایط تشدید خفقان و سرکوب، از دامنه فعالیت علنی و گسترده کاسته می‌گردد. در این وضعیت بردامنه کار مخفی افزوده شده و جنبه بسته سازمان‌دهی، گسترش میابد در این مورد حتی می‌توان تا آنجا پیش رفت که فعالین صنفی در یک کارخانه مطلقاً "از هویت فعالین سیاسی و مخفی بی‌اطلاع باشند، تا در صورت دستگیری آنها هیچگونه خطری تشکیلات مخفی را در معرض کشف و نابودی قرار ندهد، البته این در شرایطی است که دیگر فعالین صنفی نیز تحت شدیدترین شکنجه‌ها و بیکردهای پلیسی قرار --

بقیه در صفحه ۴

که تقسیم وظائف علنی و مخفی و تلفیق آنها به شکل فوق برای شرایط اختناقی یا نیمه اختناقی همچون شرایط کنونی طراحی شده است

### ۵- درباره هسته‌های صنفی - علنی هسته توزیع و نشریه کارخانه

درباره هسته‌های صنفی - علنی میتوان علاوه بر آموزش برخی مسائل درونی هسته‌های مخفی، نظیر تصفیه درخیا با آنها یا اصول گزارش نویسی و مطالعاتی، بطور کلی موارد زیر را به عنوان میرمترین وظائف آنها در کارخانه بحساب آورد:

◆ کمک به ارتقاء سطح مبارزاتی در کارخانه از طریق شرکت در اعتراضات کارگران و فعالیت در جهت تحقق خواسته‌های آنان، و - سازمان‌دهی کارگران، و از این طریق گسترش کمی و کیفی نیروهای پیشرو. شناسایی آنها بعنوان نیروی ذخیره تشکیلات مخفی و سیاسی. زیرا کارگران پیشرو غالباً "در جریان مبارزات توده‌ای شکل گرفته، تربیت شده و گسترش می‌یابند. هسته‌های صنفی - علنی در فعالیت روزمره خود این کارگران را شناسایی کرده، به کمیته کارخانه معرفی نموده و از این طریق به هسته‌های مخفی وصل میشوند.

◆ با توسعه دادن هر چه بیشتر دامنه جنبش در کارخانه، قدرت کارفرما را تضعیف و انرژی عوامل پلیسی را بپراکنده کنند. به این ترتیب به امکانات استتاری و امنیتی هسته‌های مخفی و تحرک آنها به

این هسته‌ها در تهیه متن شعارها موضوعات تبلیغ و ترویج و اتخاذ یک شی صحیح در کارخانه، بنحو چشمگیری، هسته مخفی رایاری میدهند

◆ ایجاد، تقویت، رادیکالیزه کردن و نفوذ در تشکیلات توده‌ای مانند شور، سندیکا و غیره... بعنوان مبرم‌ترین وظیفه این هسته‌ها در شرایط کنونی است. و در همین رابطه است که این هسته‌ها می‌توانند با ایجاد دیلوکی از نیروهای مترقی، اپوزیسیون فوئتوری ایجاد کرده و در مقابل نیروهای سازشکار و ارتجاعی با عنوان بسیری ایستادگی نمایند.

◆ نلانی در جهت ایجاد یک نشریه علنی برای شور با سندیکا و هر نهی‌ساز توده‌ای دیگر کارخانه، با استفاده از تمام نیروهای موجود در کارخانه و بکارگیری این نشریه در خدمت طرح خواسته‌ها و مشکلات کارگران. بطور کلی، وظائف هسته‌های علنی صنفی را بدین شکل میتوان خلاصه کرد

۱- سعی در سازمان‌دهی هر چه بیشتر کارگران در تشکیلات توده‌ای و بدست گرفتن رهبری و هدایت آن از درون.

۲- در خدمت رشد کمی و کیفی هسته‌های مخفی قرار گرفتن، و تسهیل وظائف این هسته‌ها در قبال کارخانه. همچنان که هسته‌های مخفی در خدمت هسته‌های علنی از طریق رادیکالیزه کردن و - جهت دادن این نهادها میباشند. در پایان لازم است یادآوری شود

## ۴ ساعت کار در هفته خواسته همه کارگران است

مگیرند. و خطر لورفتن تشکیلات مخفی از طریق آنان ایجاد میشود. و همینطور بالعکس، در مورد فعالین سیاسی، در شرایط بایطوری باشد که در صورت دستگیری، فعالین صنفی به خطر نیفتند، یعنی از هویت آنها بی اطلاع باشند.

اما در شرایط کنونی در کارخانه‌ها با هکلی روبرو هستیم که گریبانگیر اکثر رفقا است. این مشکل بخاطر وضعیت خاصی که پس از قیام با آن - روبرو بوده‌ایم، ایجاد شده است. اغلب کمونیستها در کارخانجات شناخته شده‌اند. این رفقا که در اثر نوسانات جوساسی حاکم بر جامعه که دقیقا "بز جوکارخانه‌ها تا شیر میگذاشت، بخصوص در مقطعی که با شرایط نهم جوساسی (مثلا در زمان اشغال سفارت و یا شرایط تقریبا "باز (چند ماه بعد از قیام) روبرو بودیم، با حرکت‌های نستجیده، خود را شنا ساندند، اکنون زیر بیشترین فشار فاشلانهای کارخانه انجمن‌های اسلامی و کمیته‌های بسیه اصطلاح پاکسازی، میباشند.

آنچه مسلم است، وجود این رفقا با این وضعیت در تشکیلات، نه تنها در شرایط کنونی به هیچوجه نمیتواند متضمن ادامه کاری مان گردد، بلکه در چشم انداز آتی موجود نیز بنظر میرسد بتوان این رفقا را در آن واحد کارگری حفظ کرد. اینکه این رفقا چه باید بکنند یا در نظر گرفتن ماهیت بورژایی حاکمیت، بنظر ما موارد زیر میرسد که ارائه میشود:

۱- این رفقا که به کمونیست بودن شناخته شده‌اند، میتوانند با تغییر شیوه برخوردشان نسبت اطرافیان، ذهنیت آنها را نسبت به خود تغییر دهند. البته لازم به گفتن نیست که این تغییر ذهنیت نباید منجر به منزوی شدن آنها گردد.

۲- راه دوم برای رفقا نیست که به

## هسته‌های سرخ کارخانه...

بقیماز صفحه ۳

قول معروف "آب از سرگدشته‌اند" و یا هیچ تغییر روشی نمیتوانند ذهنیت اطرافیان را تغییر دهند این رفقا باید محل کار خود را تغییر داده و به کارخانه دیگری بروند البته لازم است اضافه کنیم که اکثر رفقای شناخته شده، در ابتدا خود را به غلط، جزو دسته اخیر (دوم) و غیر قابل توجه میدانند این رفقا ضعف خود را در تغییر روش و تغییر ذهنیت اطرافیان بحساب "آب از سرگدشتگی" خود گذاشته و شیوه‌های اول و دوم را غیر عملی میدانند، حال آنکه اینطور نیست فقط با کمی ذکاوت، ظرف مدت کوتاهی (یکی دو ماه) میتوانیم آن ذهنیتی را که خود می‌خواهیم در اطرافیان ایجاد کنیم.

البته لازم است اضافه نماییم که نیروهای فعال درون شوراها یا هر شکل توده‌ای دیگر که به این ترتیب زیر ضرب قرار گرفته‌اند، نه تنها نباید سنگر خود را ترک نمایند بلکه علاوه بر تغییر ذهنیت اطرافیان نسبت بخود، سعی نمایند کارگران هر چه بیشتر را بگرد خود بسیج نمایند.

### درباره هسته توزیع

علاوه بر توزیع نشریات مخفی از درون کارخانه و سازماندهی نیرو - ها شیکه بتوانند این وظیفه را بعهده گیرند ما باید بتوانیم یک هسته توزیع از بیرون، با وظیفه‌ای شبیه به "اداره پست" ایجاد کنیم. ضرورت این مسئله از آنجا طرح میگردد که توزیع از درون کارخانه همواره با محدودیتهایی روبرو بوده که مانع از ادامه کاری در این زمینه میگردد. مهم ترین این محدودیتها عبارت از

شنا سائی عناصر توزیع و بازرسی شدید در حین ورود به کارخانه میباشند. بنا بر این، شبکه‌های توزیع کمیته کارخانه، در دوزمین به فعالیت می پردازند که یکی از درون کارخانه و دیگری از خارج آن میباشند. اما ببینیم رفقای توزیع چه وظایفی دارند؟ لنین در نامه به یک رفیق، در مورد وظایف توزیع می گوید:

" رساندن سریع و صحیح نشریات اعلامیه‌ها و فراخوانی‌ها و غیره، اتخاذ ترتیبی که تا این کار بدون اصطکاک انجام گیرد و شبکه کاملی ما موران برای این منظور تربیت شود - این کار یعنی انجام بخش اعظم کار تدارکاتی برای تظاهرات آتی و یا برای قیام "....." باید کوشید که این دستگاه تا آن درجه از کاملیت شناخته شود که بتوان در عرض یک شب تمام جمعیت کارگری سنت پترزبورگ را با خبر ساخت و به اصطلاح بسیج ساخت."

بوضوح پیداست که وظیفه اساسی رفقای توزیع عبارتست از "رساندن سریع" نشریات به کمک "شبکه کاملی" بدون اصطکاک" انجام گیرد. یعنی بکوشیم تا با اتخاذ روشهای مناسب، خطر دستگیری رفقا، از بین رفتن نشریات، صحیح و سالم نرسیدن آن به دست کارگران، و از این قبیل موارد را به حداقل خود برسانیم.

اما اینکه این روشهای مناسب را چگونه باید اتخاذ نمود تا تلفات را به حداقل خود رساند، در بخش تلفیق کار عملی و مخفی راجع به آن صحبت شد اکنون بازمیگوئیم که این روشها دقیقا "بستگی دارده" روشهای "اعمال قهر حاکمیت بر علیه انقلابیون و توده‌ها. ولی رفقا توجه داشته باشند که بهر حال از اوج دیکتاتوری سنگین‌شاه گرفته تا شرایط کاملاً "علنی بعد از

بقیه در صفحه ۱۶

# سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد





# اتحاد مردم و دانش آموزان

## ماسوله

### توطئه های انحصار طلبان را خنثی کرد

دندانال متنوع التدریس نمودن سطحش از معلمین ماسوله، تعدادی معلم ارتجاعی با دافهان و اراک و مشهد و صومعه سرا برای تدریس به فوئبات و منجمله ماسوله آمدند. در اوایل مهرماه مدیران مدارس راهنمایی تحصیلی و دبیرستان که از جمله همان معلمین زوار دانی بودند خواستند از دانش آموزان و اولیای آنان تعهد نامه بگیرند که با مخالفت آنان روبرو شدند. بعد از مدتی تعدادی از دانش آموزان نا آگاه که در حزب جمهوری اسلامی فعالیت می کردند تعهد دادند و این بهانه های شدک آنان بقیه دانش آموزان را تحت فشار قرار داده و تصمیم به اخراج چند دانش آموز نگرفتند. در ۲۵ مهرماه دانش آموزان ماسوله بهانه های مختلف از کلاس درس اخراج می کردند. فردای آنروز دانش آموزان اخراجی به کلاس می روند ولی مدیران دیگر ایشان را از کلاس بیرون می کنند. تعداد زیادی از دانش آموزان مدرسه به پشتیبانی از دانش آموزان اخراجی از کلاس ها بیرون آمده و در حیاط مدرسه و پشت بام به تظاهرات و راهپیمایی و دادن شعارها می از هییل "اتحاد، اتحاد، محصل اتحاد" "محصل پیوستی باش، ارتجاع در کمین است" "شورا های واقعی ایجاد باید گردد" "سرک سر آمریکا، سرک سر ارتجاع" "تعطیلی مدارس توطئه آمریکا است" "معلمین اخراجی ایستاد باید گردند، معلم مرتجع مدارس افشاء باید گردند بردا خنثی. بعد از مدتی دانش آموزان دبیرستان به صفوف متحد دانش آموزان راهنمایی پیوستند و پشتیبانی خود را اعلام کردند. صدای دانش آموزان در مرحله های ماسوله به تجدید بطوری که دانش آموزان دختر که صحبا ب مدرسه می روند به طرف مدرسه آمده و بی از مطلع شدن از واقعه به صفوف دانش آموزان سرپیوستند. حدود ساعت تقریباً تمام دانش آموزان مدرسه راهنمایی و دبیرستان، غیر از تعدادی معدوده تظا هر در اطراف مدرسه را ضای بردا خنثی. رئیس بانکگاه زاندا رمی به تقاضای مدیر مدرسه به آنها آمد. دانش آموزان با دیدن این وضع به اعتراض کردند یکی گفت: "آه ای چکاره هستی که آمده ای اینجا؟ هفتاد هزار نفر را که در یک است که

میخواهد با زهم بکشد؟ از اینجا بود و یکی دیگر گفت: "اگر ما نوشته رئیس مدرسه آمده ای ما نه تورا اصول داریم و نه آن رئیس مدرسه را". در این موقع زنان ماسوله و سا زاریان هم در حمایت از محصلین بطرف مدرسه آمدند. فردای آنروز، مدرس و معلمین وارداتی با مشورت فرماندار رفومین، مدرس را تعطیل کردند و چند روز بعد فرماندار و بخشدار مرکزی فومین سه ماسوله آمده و در یکی از مدارس فرماندار سخنرانی کردند و مردم گفتند که اکثر سزای درست کردن جو ماسوله ما مبارکباری کنند همه امکانات راه های رابرتان فراهم می کنیم، از مسئول حرکت تعاونی، سهمیه آزاد برای نانوايان، نفت، روغن، تانک دوز، برایتان می فرستیم. ولی اگر ما همکاری نکنیم همه امکانات را برای ماسوله قطع می کنیم و حتی حاشای را که در دست احداث از ماسوله به خلال است قطع می کنیم. بخشدار سر صحبت کرد و دانش آموزان را متهم به اختلال کرد و در مدارس نمود ما نه وعده های فرماندار و نه اشکات بخند را می چنگد ما نتوانست در اتحاد هالی ماسوله خلی ایجاد کند.

دوروز بعد اولیای دانش آموزان و خود دانش آموزان در یکی از مساجد ماسوله نشستی تشکیل میدهند تا بتوانند بطرفی مدرسه ها را بساز کنند و بیخ نفرازا اولیای دانش آموزان به نمایندگی از بقیه مردم فرار میشود که به فرمانداری رفته و مسئله مدارس را حل کنند. آنها به فومین رفته و بسا فرماندار به بحث می نشینند. فرماندار میگوید زمانی مدارس ماسوله بساز می شود که تمام دانش آموزان همراه اولیای خود از ماسوله بطرف فومین آمده و در اینجا راهپیمایی کرده و آن حرکت را محکوم کنند. نمایندگان مردم این را نمی پذیرند و ماسوله بساز بر می گردند. در آنجا مردم در مسجد جمع میشوند و بعد از ساعت ها بحث تصمیم میگیرند خودشان بروند و مدرسه را بساز کنند. همچنین قرار شد با هیچکس تعهد ندهد یا اگر با زهم خواستند از دانش آموزان تعهد بگیرند معلمین و مدیر هم تعهد دهند که دیگر این ماجراها را پیش نیاورند.

# دانش آموزان دبیرستان فاطمه امینی

## مانع محرومیت از تحصیل دوستان خود شدند

پس از اخراج دوازده تن از محصلین دبیرستان دخترانه فاطمه امینی دانش آموزان آگاه و مبارز امینی دبیرستان دست به تحمیل زدند و بعد از پنج روز موفق شدند مانع محرومیت دانش آموزان اخراجی از تحصیل شوند.

بعد از اینکه دانش آموزان با برهانه فرمانی ورزش صحکا هی که از جانب دفتر مدرسه تنظیم شده بود مخالفت کرده و از ناحیه خودداری کردند، روز ۲۱ مهرماه اولیای دبیرستان، حکم اخراج دوازده تن از دانش آموزان را صادر کردند دانش آموزان دیگر با این حرکت ضد دمکراتیک مدیر مخالفت برخاستند و تحصیلی تشکیل دادند. یکی از آنها گفت: "بعد از این دوازده نفر، نوبت دوازده نفر دیگر است و چه بسا که هر کدام از ما، یکی از آنها باشیم. اگر ما سر کلاس برویم یعنی تأیید این حرکت ارتجاعی، قبول آن یعنی تفسیری خوردن و دم زدن". بعد از این تجمع، مدنفرا دانش آموزان دست به تحمیل زدند و دانش آموزان اخراجی نیز پشت در مدرسه، در خیابان می ایستادند.

در چاه زمین روز تحمیل عده ای از او باش به تحریک دفتر مدرسه، پشت در آمدند و در حالیکه بدمدرسه میگویند، می گفتند: "ما میخواهیم کمونیست هارا بکشیم". در داخل، دانش آموزان شعار میدادند و در چاه زدند دبیرستان، پشت در نیز مردم به طرفداری از محصلین و فرزندان خود جمع شده بودند و مانع حمله او باش به محصلین اخراجی میشدند از طرف دیگر مسئولان تربیتی مدرسه نیز دانش آموزان را به فحش و تازا و تهدید گرفته بودند. روز پنجم تعدادی از ما در آن محصلین بدمدرسه رفتند و ضمن اعتراض به اولیای مدرسه، از فرزندان خود دفاع کردند.

سرانجام پس از پنج روز مسئولان مدرسه به دانش آموزان متحصن ابلاغ کردند که اخراجی ها میتوانند اسم خود را در مدرسه دیگری بنویسند و به تحصیل ادامه بدهند. با این ترتیب دانش آموزان با اتحاد عمل و همکاری و صمیمانه خود توانستند از محروم شدن دوازده دوست و همسر خود از تحصیل، جلوگیری کنند.

# استقلال - کار - مسکن - آزادی



## ● از نظر رهبران جمهوری اسلامی ابقاء قراردادهای تحمیلی "احتیاج" بوده است!

یکی از خواستههای برجسته زحمتکشان میهن ما که همیشه پیگیرانه خواستار اجرای آن بوده اند، لغو قراردادهای اسارت با راکتصادی، سیاسی و نظامی با امپریالیستها بوده است.

همه بیادداریم که قبل از تمام در تمام حرکات سیاسی خلق و در تمام تظلماتها این خواست با صراحت هر چه تمام تر مطرح میشد. توده ها انتظار داشتند که با سرنگونی رژیم شاه این خواست برحق آنها تحقق یابد اما با استقرار جمهوری اسلامی نه تنها بسیاری از این قراردادهای ظالمانه و اسارت با لغو نشد، نه تنها مفاد آنها برای توده ها افزایش شد، بلکه دولت موقت بازرگان با تکام همین فرار داده ها، روابط گذشته را با امپریالیسم امریکایی ادامه داد و بر اساس همین قراردادها به انحکامات امریکایی سفارش لپازم بیدگی داد، و آیت الله خمینی هم گفتند "مغلا احتیاج است اینکار را بکنید" (۲۷ مهر مجلس) آری اتفاقا و تمسدا این قرار دادهای برای جمهوری اسلامی لازم بود! در فکر درهم کوبیدن جنبش توده ای، بویژه جنبش مقاومت خلق کرد بود که مزاحم بندوبست های هیئت حاکمه با امپریالیسم بود. از نظر رهبران جمهوری اسلامی مهم نبود که انحکامات امریکایی قیمت لوازم بیدگی را جقدر حساب کنند و هر چه قدر هم که میخواهند از صندوق تنخواه گردان ایران پول برداشت کنند، چون قرارداد تحمیلی نظامی - مالی امپریالیسم امریکایی در زمان شاه سرسپرده و مزدور بسته شده بود، لغو نشده و بر طبق همان قرارداد هم سفارش های دولت موقت پذیرفته میشد و این قرارداد حتی پس از تصرف جاسوسیها توسط امریکا برخلاف تمام تبلیغات و هیاهوی ضد امپریالیستی

حاکمیت همچنان با برجاما ندولغونشد. خامنه ای در جلسه علنی مجلس در تاریخ یازدهم آبان گفت: "بر اساس آن قرارداد، دولت امریکا حق دارد جنسی را که میفرودشد غالباً هم قطعات بیدگی ابزار جنگی هوایی و دریایی است. آن جنس را از سوی خود قیمت گذاری میکند و هر شرایط مالی که خودش میخواهد از صندوق تنخواه گردان موجودا ایران در امریکا برداشت کند و فقط یک صورت حساب سه سال بدهد، این یکی از شرایطی است که تا آنجا که من از زمان حضور در وزارت دفاع یادم مانده، تا زمان پس از انقلاب لغو نشده بود، اگرچنانچه این قرارداد لغو نشده باشد...". حال پرسیدنی است که آقای خامنه ای که بعد از گروگانگیری هم در وزارت دفاع بودند، چرا در هیچ یک از سخنرانیهای خود در نما جمعه به این مساله اشاره نکرده بود؟ و اگر امروز هم دعواها ایشان بالا نگرفته بود با زحمات این مساله اشاره ای نمیکرد. علاوه بر این به عدم لغو این قرارداد - اسارت با اعتراضی ندارد، بلکه اختلاف بر سر چگونگی فریب توده ها ستو میگویی:

منظورم این است که عبارت را طوری تنظیم کنیم که اگر چنین قراردادهایی است بیشتر تثبیت نشود. بعبارت دیگر مورد نظر آقای خامنه ای اینست که عبارت ها طوری تنظیم شود که توده ها متوجه نشوند چون لزومی ندارد، نه تنها خامنه ای بلکه یزدی، رفسنجانی، سلامیان و تمام نمایندگان سر ما به داران، دعوا ایشان محدود نیست. چگونگی تنظیم عبارت قطعاً ما بوده بدون آنکه هیچکس به لغو این قرارداد نماند. اما نه ودهها قرارداد دهنما به آن اشاره ای داشته باشند. تعجبی هم ندارد چرا که

همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی در یک مورد با هم تفاهم دارند و آن بازگشت به شرایط عادی قبل از ۲۳ آبان ۵۸ در مورد کلیه روابط مالی فیما بین ایران و امریکا است. روابطی که حتی از نظر آیت الله خمینی نیز "احتیاج است" و تنها با اهدا فکا رعمومی توده ها برای آن آماده کرد. روابطی که بازرگان ها از طریق آن قراردادهای چند میلیونی با امپریالیسم امریکایی بسته اند و روابطی که بخاطرنا بود کردن آن دهها هزار تن از زحمتکشان میهن ما بشهادت رسیدند. آری، امروز نیز همه زعمای قوم تلاش میکنند تا کلیه این روابط ظالمانه را تثبیت کنند و در شرایطی که جنگه زحمتکشان میهن ما را خراب کرده است، استقامت را گرگان تشدید شده، دستمزدها کاهش یافته، انواع مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم به توده ها تحمیل شده و ما بحتاج زندگی زحمتکشان هر روز گران تر میشود، امپریالیسم امریکایی از طریق این قراردادها میلیون ها دلار به جیب بزند و دولت نیز با تصویب اعتبارات مربوط به هزینه های جنگ دین خود را نسبت به امپریالیسم ادا میکند. آن وقت آقای رفسنجانی در پاسخ این مساله که اسلحه ها را از کدام کشورها می خرید؟ پاسخ میدهد که "اینها را اعلام نمیکنیم" (۹۵/۷/۲۲)

چرا اعلام نمیکنند؟ علتش روشن است از ترس توده ها جرات آنرا ندارند که بگویند محمولات نظامی از امریکا بتمقد سلطنت آبا میسرند، بویژه های ساخت صهیونیست های اسرائیلی، از طریق واسطه های سوئیسی وارد میشود. زحمتکشان میهن ما بتدریج در می یابند که اسلحه های ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی بپوش است. حکومتی که قراردادهای اسارت با روظالمانه با امپریالیسم را لغو کرده است خواهان بازگشت به شرایط عادی قبل از ۲۳ آبان با امپریالیسم امریکایی است. سلاحهای اسرائیلی را از طریق سوئیس وارد میکند، این حاکمیت ضد امپریالیستی نیست و نمیتواند با سدار استقلال آزادی میهن ما باشد.

# اعلام مواضع بخشی از کارگران پیشرو تبریز

"سازمان خرد بورژوازی با ایداعتما دبه بورژوازی را بمردم بیا موزند، پروتار با هم باید عدم اعتماد ببه بورژوازی را بمردم بیا موزد (لنین - وظایف پرولتاریا در انقلاب ما) واقعبینی که در رابطه با طبقات اشاع سازمان چریکهای فدائی خلق ایران انکار را پذیرا نیست این است که خبرناشعب عده ای از هواداران را با اصطلاح دلسرد کرد و میزبان فعالیت آنها را کاهش داد. اکثریتی ها در تبریز چنان میکردند که گویا اقلیت از مارکسیسم - لنینیسم عدول کرده و آنها هستند که به مارکسیسم - لنینیسم وفا دار مانده اند.

شایعاتی از این قبیل که "اقلیت تروریست است، اقلیت خیلی از امکانات ما را با خود برد ما ست، اینها هم مثل اشرف دهقانی هستند، چپ و آوارشیست هستند". و با این قبیل تبلیغات جو مسوم کنند ما ی بر علیه رفقای اقلیت وجود آورد میوند. اما این جو مسوم با روشن شدن مواضع اقلیت که مبارز ما بدتولوزیک را علنی نمود، رفته رفته مواضع اقلیت را به کارگران و زحمتکشان شناساند، و امروز در عرصه مبارز طبقاتی است که مواضع اقلیت که به نظر ما مارکسیسم - لنینیسم خلاق است باز با بورتونیست های "کمیت مرکزی" که به ستان بوسی بورژوازی رفته ببه مکتب طبقه کارگریست میکنند نمایان گشته است. وقتی اکثریت "کمیت مرکزی" می گوید خرد بورژوازی در حاکمیت نقش غالب را داشته و رهبر مبارزات ضد امپریالیستی است، ما می پرسیم: اگر قبول کنیم که خلق کرد، خلق ترکمن، بیگاران، صیادان، دهکداران، دانشجویان انقلابی، شوراهای واقعی کارگران، اتحادیه های دهقانی، کمونیستها، مجاهدین و... مبارز ضد امپریالیستی را ندانیم و می بخشند و هیئت حاکمه آنها را سرکوب میکنند پس چگونه رهبری مبارز ضد امپریالیستی را به عهده گرفتار است؟! آیا "کمیت مرکزی" این سخنان لنین را قبول ندارد که گفت: "قصد ما بر آنست که نه فقط پرولتاریا را که بتوسط حزب میگرداند مشکلات شد با بیت بلکه خرد بورژوازی را نیز که قدر است با ما همدوش گام بردارد رهبری نماییم" (دوناتیک) آیا "کمیت مرکزی" نمیداند که مبارز ضد امپریالیستی در عمل است نه در حرف؟! آیا نمیداند مبارز ضد امپریالیستی فقط مبارز ما، امریکاییست و با ید بر علیه تمام امپریالیستها و با یگا هدا خلیشان، سرمایه داری و با بستما شد؟! مارکسیسم - لنینیسم به ما می آموزد که در شرایط کنونی برای ضد امپریالیست بودن باید ضد سرمایه داری و با بستما شوخاوان جامعه دموکراتیک بود. وقتی اکثریت "کمیت مرکزی" میگوید با بخاطر مبارز ما، امپریالیسم و بختاریا ید از هیئت حاکمه پشتیبانی کنیم این سؤال مطرح میشود که مگر می شود با عناصری چون فلاخی، ظهیر نژاد، مین فر، نوبری، بنی صدر، آیت، بهشتی، رفسنجانی و... (که وجه غالب حاکمیت را تشکیل میدهند) مبارز مکرر در بیرون از مرز دنبال بختاریا گشت. به نظر ما حاکمیت ضد انقلابی و عمدتاً فردست بورژوازی متوسط است و باید علیاً مبارزه نمود. و اکنون که موضع گیریهای صحیح اصولی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در عمل ثابت شد مواظرفی هم سیاست و مواضع گیریهای بنیادین بپورتونیستی و سازشکارانه اکثریت "کمیت مرکزی" صریح تر و آشکار تر گردید ما ست ما بخشی از کارگران پیشرو تبریز پشتیبانی خود را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) اعلام کرده، از کلیه کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی و مترقی می خواهیم که سیاستهای سازشکارانه و ضد کارگری اکثریت "کمیت مرکزی" را افشاء نمود و نظریات انقلابی سازمان را تبلیغ و ترویج نمایند. باید چهره سازشکارانه بپورتونیستهای تازه بدوران رسیدن را که به ستان بوسی بورژوازی رفته خود را مارکسیست - لنینیست های انقلابی جا می زنند، شناسا ند و خط فاصلی بین آنها و مارکسیست - لنینیستهای انقلابی را مان طبقه کارگر و فادار هستند، کشید.

سازشکاران و اپوسورتونیستها را افشاء و طرد نماییم  
نلهو با دا امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکایی و با یگا هدا خلیش  
بخشی از کارگران پیشرو تبریز  
تراکتور سازی، ماشین سازی، لیفت تراک سازی، ایدم، شیرمنطقه ای و کفشان تبریز ۵۹/۶/۲۲



## نمایندگان مجلس از منافع چه کسانی دفاع میکنند؟

احمد فلازاده نماینده گنا با در حلقه  
علنی روز یکشنبه چهارم آبان ماه  
مجلس شورای اسلامی گفت:  
امروز ما با نظام کافر صدامی... در  
جنگیم که نمی‌توانیم بسادگی از کنار  
آن بگذریم و دقیقاً "با بدوزخه‌های  
سکین جنگ روی دوش توده‌های مردم  
باشد، آنها هستند که با راضی انقلاب اند  
و آنها هستند که با انقلاب را بدوش  
گرفته‌اند."

این نماینده مجلس با جنگ بدوش -  
زحمتکشان را امری کاسا "طبیعی  
قلمداد می‌کند بنظر انسان و سایر  
نمایندگان، توده‌های مردم باید  
هرگز به کمبود کرائی و بی‌کاری را تحمل  
کنند، کارگران باید با ۲۰٪ ساعت کار  
همان مزد گذشته را بگیرند و حقیقتاً  
سرما به داران را برکنند چون آنان به  
اصول انقلاب اند و اگر سرما به داران به  
احکار و افزایش قیمت مواد مصرفی  
دست زدند ما ز این مردم اند که با تحمل  
کنند و در غیر این صورت ضدا انقلاب خواهند  
بود، آنها نمی‌فهمند که ریش مجلس  
در این مورد می‌گوید: "عده‌ای دیگر در  
برابر معازنه‌های فروشنده مواد غذایی  
اجتماع می‌کنند و صف ممنوعی ایجاد  
می‌نمایند تا مردم را از کمبود مواد  
غذائی بترسانند و در همان صف اخبار  
دروغ و شایعات بی‌اساس را منتشر  
می‌سازند." سپس می‌افزاید "من به  
تمام مردم تذکر می‌دهم و اعلام می‌کنم  
که این گونه اعمال کارهای فدائیان انقلاب  
است" (جمهوری اسلامی ۵۹/۲/۲) بنظر  
آقای رفسنجانی و سایر نمایندگان،  
آنها که خرید یکساله مواد غذایی ضروری  
مثل قند و شکر و چای و برنج و روغن و  
سایر مواد را از پیش کرده‌اند و  
اکنون احتیاجی به تهیه کوبین و سی

استادن در صف ندارند انقلابی‌اند  
اما زحمتکشان که بدلیل نبود امکانات  
مالی با بدما بحتاج خود را روزانه  
تهیه کنند و مجبورند هر روز در صف بمانند  
ضدا انقلاب محسوب می‌شوند و با نماینده  
تبریز حسین انزاسی می‌گوید: "مردم  
آماده هستند از حرم اسلام دفاع کنند...  
مردم تبریز مشکلی ندارند. اگر مشکلات  
اقتصادی داشته‌باشند انشاالله بعد  
از جنگ و پیروزی رفع می‌شود و عمده  
مشکل مردم تبریز مشکل دین است"  
(انقلاب اسلامی ۵۹/۸/۱۳) این سخنان  
صحت نظرات ما را مبنی بر اینکه این  
آقایان نمایندگان توده مردم نیستند  
نشان می‌دهد. نماینده‌ای که بقول خودش  
می‌گوید مردم مشکلی ندارند و با اکثر  
داشته‌باشند... با از مشکلات مردم  
اطلاعی ندارند یا نمی‌خواهد مشکلات مردم  
را بیان کند و هر دو شکل آن بی‌انگیز  
اینست که چنین نمایندگان نمی‌توانند  
توانند در جهت منافع مردم قدمی بر  
دارند ما آنها در همان حال که هیچ  
صحتی از مشکلات مردم نمی‌کنند در عین  
حال که ضحیتی از افزایش قیمت بنزین،  
افزایش تمام عده قیمت برق، جنس  
برابر شدن قیمت ما بحتاج عمومی و  
افزایش مالیات غیر مستقیم بر اجناس  
نمی‌کنند، لغو مالیات و اجور ارتشیان را  
قید و فوریت تصویب می‌کنند و خرید  
قطعات یدکی لوازم نظامی را از آمریکا  
به بهای آزادی کروکناها تصویب  
می‌کنند و ضمنی از آمریکا برای عدم  
تحويل اسلحه و لوازم یدکی کلسه  
دارند مثلاً آقای حجازی در جلسه  
چهارشنبه ۵۹/۸/۲۱ مجلس می‌گوید  
"آمریکا می‌خواهد مساله کروکناها را  
با زحمتکشان بگذارد تا آنها نه‌ای داشته  
باشد... و می‌خواهد تسلیحات خود را به  
ما بفروشد." بعلاوه تمام نمایندگان  
به با زکشت شرایط قبل از تحریم  
اقتصادی آمریکا یعنی ۲۳ آبان تاکید  
دارند و یکی از شرایط آزادی کروکناها  
را، با زکشت به شرایط قبل از تحریم  
اعلام میدارند. این نمایندگان مردم  
براستی کدام تصویب ما را بفتح  
توده‌های مردم گذرانده‌اند؟ نه تنها  
چنین نکرده‌اند بلکه از وحشت آشکار

شدن مواضعشان در مقابل مردم و درست  
در شرایطی که مسئله کروکناها در مجلس  
 مطرح شد از ترس اینکه نیروهای  
انقلابی واقعات را برای مردم روشن  
سازند بیشتر فتنه‌ها را محدودیت فعالیت  
را برای آنان خواستار شدند.

آقای ناجردان نماینده گجساران و  
که کیلویه گفت: "حای بی تاسف  
است در حالیکه بهترین فرزندان  
انقلاب خون خویش را در جبهه‌های جنگ  
تحمیلی نثارند و ما انقلاب و پاسداری  
از مکتب می‌نمایند دیده می‌شود که  
پاره‌ای از احزاب غیرقانونی کفر و  
سازمان منافقان بصورت بخش اعلامیه و  
نشریه‌های مختلف در جهت تضعیف روحیه  
مردم اقدام می‌نمایند. من به عنوان  
نماینده مردم جدا از مجلس شورای  
اسلامی می‌خواهم تکلیف این احزاب را  
لااقل در زمان جنگ روشن سازد تا دشمن  
نتواند از وجود آنان با عنوان ستون  
بنجم استفاده کند. (جمهوری اسلامی  
۵۹/۸/۲۰)

براستی اینهمه وحشت آنان از نیرو  
های انقلابی برای چیست؟ اگر آنان  
در جهت منافع توده‌های مردم قانون  
تصویب می‌کنند و برای خواسته‌های مردم  
تلاش می‌کنند چرا از نیروهای انقلابی  
هراس دارند. این وحشت آنان تنها  
بدلیل آگاه شدن کارگران و زحمتکشان  
و دیگر اقشار خلق از واقعات موجود  
است و واقعاتی که هر روز بیشتر و بیشتر  
توده‌ها در تجربیات روزمره و یکمک  
نیروهای انقلابی از آنها آگاه می‌شوند  
بی‌جهت نبود که دولت جمهوری اسلامی  
از ورود نمایندگان واقعی مردم به  
مجلس جلوگیری کرد. دولت در جریان  
انتخابات با تبلیغات بسیار و انواع  
مختلف اعمال نفوذ سعی کرد از ورود  
نمایندگان سازمانهای انقلابی به  
مجلس جلوگیری نماید چرا که اگر آنان  
تسلیم تصویب نامه‌های فوق نمی‌شدند  
و بعلاوه ما هیت ضدا انقلابی دولت را در  
پیشگاه خلق افشا می‌کردند. توده -  
های زحمتکش هر روز بیش از پیش با این  
امرا گاه می‌شوند که نمایندگان کنونی  
حافظ و مجری منافع آنان نبوده و  
نیستند.

## رهبران جمهوری ...

بقیه از صفحه ۱۹

انقلابی را شکار میکنند. با چنین شرایطی آقای ری شهری، استدلالهای کهنه شده - ای را تکرار میکنند و میگویند، بیاشید در زندانها و ببینید که در آنجا شکنجه نیست.

و میگویند که "ما فقط بر طبق موازین اسلامی کسی را که زنا میکند و عرق میخورد شلاق میزنیم" در حالی که نه تنها شکنجه نیروهای انقلابی، که جمهوری اسلامی بدان دست میزند محکوم است بلکه هیچ کس حق ندارد حتی زنا کار و عرق خور را هم

شلاق بزنند. شکنجه عملی حیوانی و قرون وسطائی است که از نظر توده های زحمتکش میهن ما و توده های سراسر جهان محکوم است و تنها رژیمهای ضد خلقی به شکنجه متوسل میشوند. از سوی دیگر آقای ری شهری که خود در آزاد کردن کودتاچیان مزدور دست داشته و در مصاحبه خود آن اعتراف میکند، دست بنی صدر را نیز رومیکنند. او در مصاحبه خود میگوید "حالا که بنی صدر در این شرایط مصالحه شکنجه را مطرح کرده است ما هم میگوئیم که بنی صدر کودتاچیان را آزاد کرده است".

توده های زحمتکش میهن ما طی این سخنرانیها و مصاحبه ها بخوبی درک میکنند و آگاه میشوند که هر دو جناح هیئت حاکمه لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی کلا

علیه منافع خلق کام بر میدارند. اقدامات هر دو جناح ضد خلقی است. یکی ارتش را با زسازی میکند، کودتاچیان مزدور وابسته به امپریالیسم را آزاد میکند و سرکارها را میگرداند، دیگری برای سرکوب توده های مردم و نیروهای انقلابی به شکنجه متوسل میشود و - زندانها را از انقلابیون پر میکند. خوب که وقت کنیم می بینیم که همه این اقدامات مکمل یکدیگرند و هدف آن سرکوب خلقی است، تنها درد عوای درونی هیئت حاکمه است که پاره ای از حقایق برای توده ها افشا میشود.



## شورای واقعی، دشمن سرمایه داران، پشتیبان کارگران

### دوستان و رفقای کارگر

سرمایه داران برای غارت دسترنج ما از روشهای مختلف استفاده میکنند. و بعد موعید فریبکاری و ایجاد دودستگی بین کارگران از روشهای ابتدائی آنهاست. اگر با این شیوه ها نتوانستند جلوها رزات کارگران را بگیرند به تهدید و سرکوب دست میزنند.

همه ما مدیون رنگارنگی را که از طرف صنایع و معادن به کارخانه آمدند بخاطر داریم. ما بخواهی با روپاهائی مانند فاطمی زاده آشنا هستیم. نمایندگان معتقد ما ایمان را هم که خود فروش از آب درآمدند فراموش نکرده ایم. وقتی همه فریبکارها بی اثر ماندند سپاه پاسداران سرمایه دست بکار شد تا با زور سرنوژه جلو مبارزاتمان را بگیرند.

وقتی دیدند که دیگر نمیتوانند برایمان شورای فرمایشی درست کنند،

وقتی دیدند که یکی از نمایندگان شوراجانب کارگران را میگیرد،

وقتی دیدند ما میدانیم فاطمی زاده خائن بخاطر خیانت چند ساله به کارگران از طرف وزارت صنایع و معادن جمهوری اسلامی پست بالاتری گرفته است.

و بالاخره وقتی اتحاد و همبستگی ما را دیدند بوحشت افتادند و همکام پاسداران، دهقان، راد استگیر کردند. نماینده دادستان را برایمان آوردند تا از جنگو بالا رفتن تولید حرف زد. موکارگران را آمریکائی خطاب کنند و در آخر هم با بستن در کارخانه به بیکاری تهدیدمان کردند. اما نقشه آخری هم با مقاومت ما با شکست روبرو شد.

### رفقای کارگر

سرمایه داران بوسیله مزدورانی مثل شاه محندی، هاشمی، تاجیک، انوری، چوری، کربسی، صادقی، همراه با مدیون کارخانه ها حمایت وزارت کار و صنایع و معادن سپاه پاسداران، دادستان انقلاب، همه با هم دست در دست دادند و سر علیه ملتوطنه میکنند تا همچنان شیوه جانمان را بکنند و هر روز بر او ترشوند. در مقابل ما کارگران فقط با اتحاد و همبستگی ما ایجاد شور بوسیله نمایندگان واقعی خود میتوانیم در مقابل همه این توطئه ها ایستادگی کنیم. نمایندگان ما با قدرت تمام از منافع ما دفاع کرده و تسلیم زور و زورنشوند.

## با انتخاب نمایندگان خود شورارا

به سنگری علیه سرمایه داران تبدیل کنیم

کارگران پیشرو ارج

هر چه گسترده تر باد همکاری و اتحاد عمل نیروهای انقلابی و مترقی



# بخش از: اعلام موجودیت هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تشکیلات اراک

## نیروهای پیشرو و انقلابی اراک!

هم اکنون حدود چهار ماه از انشعاب سازمان به دو جناح انقلابی و اپورتونیستی میگذرد و حدود یکسال نیز از جناح بندی رسمی درون سازمانی در پلنوم یکم به دنبال رشد گرایشات متضاد بر سر میر میترتین مسائل جنبش و اساسی ترین مباحثی مارکسیست لنینیستی، سپری شده است.

رشد و تکامل برق آسا و همه جانبه جنبش توده ها در دو سال و نیم اخیر که سرشار از رویدادهای متنوع و تجربیات گوناگونی و آموخته شده بود در کلیت خود، پراتیک ارزنده ای است که با ردیگر صحت آموزشهای مارکس، انگلس و لنین و ادرباره مبارزه طبقاتی، ماهیت و خصلت طبقات مختلف دولت و انقلاب تا شنید نمود.

همچنین بر انواع تئوریهای رنگارنگ بورژوازی و خرده بورژوازی، از جمله بخشی از این تئوریها که لباس مارکسیسم راجحت مقابل با آن به عارضیت گرفته اند، یعنی تئوریهای رویزیونیستی و دیدگاههای اپورتونیستی خط بطلان کشید.

از سوی دیگر و در روزافزون مبارزات توده ها و وحدت مبارزه طبقاتی، به صف بندی هر چه مشخص تر نیروهای طبقاتی جامعه و روانه شدن این نیروها به پایگاه واقعی خود انجامیده است. اگر تا دیروز، "سرمایه" در پشت تاج و تخت پنهان گشته و پایگاه واقعی نیروهای مختلف در زیر شعارهای عمومی تا حدودی در ابهام میماند، امروزه با هربا نتر شدن مبارزه طبقاتی، جبرآسیاستها نیز عریا نتر از یکدیگر متمایز گشته و منافع طبقات معین را صریحتر بناز می نمایاند. تقابل و تکامل گرایشات متضاد در درون سازمان نیز از روند فوق مجزا نبود و انجام همگام با عادت مبارزه طبقاتی، خط و مرز این گرایشات مشخص تر و در نهایت به جدائی دو جریان انجامید. انشعاب، علیرغم تاثیرات عاطفی معینی که بهمراه داشت، واقعیتی بود که هربا زود و ولی ناگزیر - اتفاق می افتاد. بحث پیرامون مسائل تاکتیکی انشعاب، اکنون دردی را در میان نیست. آنچه توضیح آن لازم است، ریشه های اساسی مجموعا دویینش شناختی - طبقاتی متضاد را تشکیل میدهد.

تکامل سیاستهای اپورتونیستی و تزلزلات ایدئولوژیک یک جناح از سازمان، سرانجام آنرا به زیر پا نهادن شعار مباحثی مسلم تئوریک و واژگونه جلوه دادن واقعیات تودیدنا پذیر سیاسی - اجتماعی سوق داد و به نتایج به هم پیوسته زیر هر تئوریش ساخت:

انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک در جامعه سرمایه داری وابسته ما بدون رهبری طبقه کارگر به پیروزی دست میابد و به انجام ضمنی از وظایف خودنا شلمیگردد. ولی برای اینکه این پیروزی کامل گردد و وظایف انقلاب به پایان برده شود، رهبری پرولتاریا لازم است (کار ریما ر: انقلاب الجزایر، کا و ۷۰: ضمیمه و مقاله انقلاب مشروطیت).

به عبارت مشخص، قیام بهمن به پیروزی انقلاب (انتقال قدرت از یک طبقه به طبقه دیگر) منجر گشت. انقلاب به انتقال قدرت از بورژوازی وابسته به خرده بورژوازی انقلابی و برقراری حاکمیت مردم انجام میدو استقلال سیاسی حاصل شد (سرمقاله ۵۹، ضمیمه ۲ و ۳ بیانیه های کردستان در این فاصله).

در نتیجه برهبری انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک گماکان در دست خرده بورژوازی انقلابی باقی ماند و نتوانست آنها این همزبونی بر بورژوازی شریک در قدرت تحمیل گشت، بلکه پرولتاریا نیز با بد واقفیت را بپذیرد و بر این همزبونی گردن نهد! (سرمقاله ۹۹ و ضمیمه ۶۲).

نتیجه طبیعی احکام فوق نیز دست کشیدن از مبارزات - طبقاتی، نادیده گرفتن یا توجیه سیاستهای حاکمیت در مورد با یمال کردن حقوق دمکراتیک خلق - سرکشی و انقلاب و بازیای سرمایه داری وابسته در زمینه اقتصاد و ارگانهای حکومتی، همچنین اخلال در مبارزات خلقهای تحت ستم خصوصاً خلق قهرمان کرد و لوت کردن این مبارزات بود.

از سوی دیگر اپورتونیستها با تبلیغ عوام فریبانه در مورد "انترناسیونالیسم پرولتری" به تاکتیکی که نه جنبش توده جهت بسیج نیرو و متوسل گشته و ولادت بیش نوین "خوبش را که در واقع چیزی جز گرایشات مرمیون رویزیونیستی دانستگیش کمونیستی جهانی در سالیان پس از دهه ۱۹۵۰ نبوده جشن گرفتند و بدین وسیله به لوت کردن "جنبش نوین کمونیستی" که در مبارزه با این گرایشات انحرافی حیات یافته بود پرداختند؛ نتیجه مسلم این امر نیز پذیرش تزارچاگی "راه رشد" هر چند با تغییر "اراسته" بود.

بهر حال مجموعه نظریات اپورتونیستها که عملاً با رد تئوری مبارزه طبقاتی و نفی رهبری پرولتاریا و بارها کردن متدلزی مارکسیستی در مورد ارزیابی ماهیت دولت و در تئوری دولت توأم بود، آنان را به استانبولی بورژوازی و در پیروزی امکانات علنی به قیمت دست کشیدن از مبارزه طبقاتی و تضمین لگام زدن بر جنبش خلقها، رهنمون ساخت. مواضع تسلیم طلبانه اپورتونیستها که با "ضدامپریالیست و انقلابی" ارزیابی کردن حاکمیت در سیاست، و ابداع و ترویج گرایشات رویزیونیستی در تئوری توأم بود، در مجموع و در انتهای یک پروسه تزلزلات و نوسانات، زمینه گرویدن آنها را بحد خط منی و سیاست حزب توده - هر چند با اختلاف نظرهای فرعی با آن فراهم ساخت. و سازمانی را که در مبارزه با حزب توده هستی یافته بود به جای سوق داد که حزب توده نزدیک ترین جریان سیاسی به آن شد.

با علنی شدن مبارزه ایدئولوژیک توسط جناح انقلابی سازمان، اپورتونیستها که فشار هواداران و بحران درون تشکیلات گریبان آنها را گرفته بودند ناگزیر شدند تا برای اولین بار مواضع و تعابیرات نهائی خود را بگونه نسبتاً "مربوطی آشکارا" زدن. از سوی دیگر به عقب نشینی تاکتیکی متوسل شده و به انجام فرمهای در مواضع سیاسی و روابط تشکیلاتی پرداختند. همچنین با تحریف نظریات جناح انقلابی سازمان و تبلیغ اینکه گویا آنها "مدافعین مشی گذشته" میباشند، و نیز با توسل به عوام فریبی و مشغول ساختن هواداران درباره "انترناسیونالیسم" و "احیای اصول" و با زدا شدن آنان از پرداختن جدی به مسائل مبرم در مجموع سعی کردند تا هر چند برای مدتی نیروهای خود را با یاد من زدن به اعشاش فکری و سردرگمی آنها حفظ نموده و بتدریج مواضع خود را تحکیم بخشند.

ولی سچل عظیم مبارزه طبقاتی نیرومندتر از آنست که این تشکلهای رای مقابل با آنرا داشته باشند و به آنها نگونه که شاهدها بودیم، علیرغم این تلاشها، نیروهای صادق و آگاه بطور روزافزونی جبهه اپورتونیستها را ترک و راه سرخ پرولتاریا را در پیش گرفته اند. ایما زداریم که رشد و تکامل بیشتر مبارزه طبقاتی و اقصیات گسترده تری را بر حقانیت بیشتر انقلابی، در مقابل آنانکه صادقانه و با آرمان پیروزی زحمتگشان قدم در راه مبارزه نهاده اند، خواهد گشود و در روند فوق، شدت بیشتری خواهد یافت. حاکمیت جدید علیرغم انتظارات توده ها از سرمایه داران در مقابل کارگران، از زمینداران در مقابل

بقیه در صفحه ۱۰

مبارزه ایدئولوژیک و وحده جنبش کمونیستی



زحمتکشان موسوآ با دایمیتها قیل خانه های مالی سرمایه داران را تصرف کرده و در آن زندگی می کنند چند روز پیش یکی از او با شان به تحریر یک سرمایه داران به آنجا رفته و انا تیه خانه کارگری را بیرون ریخت و زنان زحمتکشان را تهدید کرد که اگر خانه ها را خالی نکنند چنین و چنان خواهد کرد این عنصر معلوم الحال در حالیکه جاقوئی در دستش بود شروع به عریه کشی و فحش دادن کرد. یکی از کارگران اهل محل غشمکین شده و به او حمله کرد در این میان پاسداری با لباس شخصی سرو کله اش پیدا شد. این پاسدار همراه با پاسداران دیگر (که همیشه تماشا ولی موقع سر می رسند) این دو نفر را به کمیته بردند. زنان زحمتکشان نیز بدنیال آنها روان شدند پاسداران می خواستند کارگر را به پاسگاه تحویل دهند و فردی را که زندگی آن کارگر را بهم ریخته و عریه کشی کرده بود آزاد

**زحمتکشان موسوآباد:**  
**هر حرف حقی بزنی،**  
**میگن فدائی هستی**

کنند ما زنان زحمتکشان گفتند: هر دور باید به پاسگاه برید و ما منع بودن کارگر به پاسگاه شدند پاسداران شروع به تیراندازی هوائی کردند. جمعی از متفرق کننده زنی از میان جمعیت گفت "انگار یک لشکر زرهی عراق به ستادشان حمله کرده است" پس از شنیدن صدای تیراندازی عده بیشتری از مردم جمع شدند. پاسداری از زنان خواست که به خانه ها بشان

بروند یکی از زنان با سادگی تمساح گفت: "ما زحمتکش هستیم پاسداران باید سرمایه داران را بگیرند" او پاسدار در جواب گفت: "حرف چریکهای فدائی را می زنی هر چه رهبرانمان بگویند شما هم می گویند!" زن دیگری در پاسخ گفت: "پس او نهائی را که می گویند چریک فدائین همه مثل ما هستند!" زن دیگری گفت: "اگر حرف حق بزنی می گویند فدائی ها شما را گول زده اند با خودت فدائی هستی!" او زن دیگری گفت "اگر فدائی ها هم این حرف را می زنند پس همه فدائی هستیم". آری همه زحمتکشان فدائین چون دشمن سرمایه داران هستند. دیگر نیست روزی که اینها همه زحمتکشان سپهر دریا بند آنگاه در میان زحمتکشان جایی برای سرمایه داران وغارت و چپاول و زورگویی آنها باقی نخواهد ماند.

**بخشی از: اعلام موجودیت**

دوستان ما زماناسات بسیده سرمایه داری در مقابل توده های انقلابی بدفاع برخاست. کینه توزی و مقابله با شورا های انقلابی کارگران و حتی گشودن آتش بروی کارگرانی که بخاطر حقوق خویش مبارزه میکردند، دشمنی و جنگ با شورا های دهقان و با ریدن گلوله بر سر زحمتکشان ترکمن و کرد، با یمال ساختن حقوق دمکراتیک توده ها و نابود کردن روز افزون دست آورده های قیام، گشتاردا تشویبان و تعطیل دانشگاهها با توطئه رسوای آنان تحت یوتوش انقلاب فرهنگی، اخراج دانش آموزان و معلمین انقلابی و برچیدن بقایله با شورا های انقلابی دانش آموزان، برقراری دم افزون اختناق فکری و سیاسی و تفتیش عقاید و ممنوعیت فعالیت نیروهای انقلابی، بازسازی ارتش ضد خلقی، دستگاری اداری که همه و مناسبات استعمار گرانه سرمایه داری وابسته، همه و همه از جمله اقداماتی بود که حاکمیت "انقلابی" در پاسخ به انتظارات توده ها به ارمغان آورد. وضع اقتصادی و اجتماعی توده ها علاوه بر آنکه بهبود نیافت، وخیم تر نیز شد. اگرانی، بیکاری و بیخانمانی و بحران عمیق و شدت یافته، اقتصاد ملی عرصه زندگی را بر توده ها تنگ تر ساخت. فضای مختنق فرهنگی و سیاسی حاکم به سدی در مقابل رشد و شکوفایی خلافت توده ها تبدیل گشت. استعمار با شدت پیشروی ادا به بافت و بجزر فرمهای جزئی در جهت بهبود اوضاع محدودی از زحمتکشان، نصیب اکثریت مردم چیزی جز فشار بیشتر و تنگی طاقت فرسا نگشت. دهه داران - سرکوب و کسبه جزء بجرم گران فروشی به شلاق بسته شدند. سرمایه داری خا نما آنها چون گذشته بر سر آنها خراب گشت. آنان را که ساختارهای سرمایه داران را به اشغال خود در آورده بودند و سرسریزه بیرون ریختند. به جای تامین حقوق عادلانه خلقها، جنگ خانمانسوز علیه آنها بر راه افتاد. از قیام تا کنون با شدت و ضعف مختلف، خلق قهرمان کرده های جزرگیا ر مسلسل و خیماره از جمهوری سلاسی دریافت نکرده است. دهقانان قهرمان و آگاه ترکمن به جرم دفاع از شورا های انقلابی خود و مبارزه بر علیه زمینداران، به جنگهای تحمیلی محکوم گشتند و رهبران قهرمان آنان بطرز فجیعی به قتل رسیدند. در عوض، فئودالها و زمینداران و مزدوران محلی در مناطق مختلف توسط جمهوری اسلامی مسلح گشتند و تحت حمایت قرار گرفتند و مشترکا فجا بیعی همچون قتل عام قارنا

و قتلان آن فریدند. حکومتی جمهوری اسلامی بجای "استقلال" به بازسازی وابستگی و به جای "آزادی" به سرکوب آزادیهای حاصله از قیام خوینا ر خلق پرداخت. نیروهای انقلابی نظیر فدائیان و مجاهدین که در سالها سیاه سلطه فاشیستی شاه تحت شدیدترین فشارها و بیگدرهای قهرمانانه مبارزه می کردند، پس از انقلاب "عدا انقلاب" و آمریکا "نا امید" شدند و فشار علیه آنها همچنان ادامه یافت. در حال حاضر دشمنان زندانیشان تغییر یافته اند و گرنه بسیاری از زندانیان همان زندانیشان دیروزانند! امروز نیز ترور و اعدام انقلابیون رایج است و اگر بیش از این برای حکومتگران مقدور نیست، علت تنها در "توانستن" است. آری! اینچنین به انتظارات توده ها از انقلاب پاسخ داده شد! پاسخی که قهر بیگاری، نابسمانی زندگی اقتصادی، محرومیت از تامين و رفاه اجتماعی، اختناق فرهنگی و سیاسی و همچنین ادا به بازسازی وابستگی و جو مختلف آسرا تشکیل می دهد. هم اکنون نیز در اثر جنگ بیش از پیش بروخامت زندگی توده ها افزوده گشته، جنگی که مستحکم سرمایه داران ایران و عراق و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از آن سودخواهند در دوبار اصلی تلفات و خسارات و مصائب آن بردوش توده های زحمتکش به دوش خرا عبودیت. طبعی است که تپور تونبسته ها که با ناسا دیده گرفتن یا توجیه کلیه اقدامات ضد انقلابی در مورد با یمال ساختن دستاوردهای قیام، سرکوب خلقها و بازسازی وابستگی، حاکمیت را "انقلابی" و فدا بهرپا لبست "ارزبایی کرده اند، امروز نیز هم چنان بدنیال بورژوازی روان شده و با اتخاذ مواضع سوسال شوینبستی، برای پیروزی جنگ انقلابی توده ها را بزیر پرچم حاکمیت فرا خوانند تا بهترین نتایج رسالت خویش را در دفاع از جمهوری اسلامی به انجام رسانند. ولی یمانداریم که تاریخ، این دا و بزرگ نشان خواهد داد چه کسانی امروز در جهت منافع توده ها گام برداشته و چه کسانی فریبکارانه به توده ها خیانت میکنند. گسترده تر با دنا خاد عمل نیروهای انقلابی نابودیا داپورتونبسم در جنبش کمونیستی مستحکم تر با دیپوند نیروهای انقلابی با کارگران و زحمتکشان نابودیا داپورتونبسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پاسگاه ها خلیش هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - تشکیلاتاراک اولآبان ۱۳۵۹

**برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک**



# یک ارزیابی کوتاه

## از روحیات توده‌ها نسبت به مسئله جنگ

هر روز که از جنگ خانمان برانداز دولت‌های ایران و عراق میگذرد، ماهیت ارتجاعی آن بیش از پیش روشن میگردد. هر روز بیش از روز قبل توده‌های مردم تحت فشارها و کتب جنگ و در انقضای درک می‌کنند که این جنگ، ناچه حدی متنازع و خواسته‌های آنان در تضاد است. با سبوت‌های کمپوزیسیونسم که در روزهای اول جنگ اوج گرفته بود با وجود تمامی سعی و کوشش حاکمیت سوز و آغی و آه و ناله‌های در حفظ و تشدید آن روه فروکش نهاده است. تحت فشار گرانی، کمبود اجناس، بی‌سره بندی سوخت و ارزاق عمومی، تطبیع دائمی برق، خانه‌خوابی و بی‌سره‌نسی، تبلیغات جنگ طلبانه هیئت حاکمه هر چه بیشتر بی‌اثر گشته و رنگ می‌بازد. توده‌ها با شنیدن اخبار جنگ و مشاهده خرابیهای بیکران آن هر چه بیشتر در میانه‌اند که این جنگ از هر دو سو بسود امیربالیست‌هاست و پس و در این راه ماهیت واقعی و ذرو غیرداری‌های حاکمیت نیز هر چه بیشتر برایشان آشکار میگردد.

تعمای تغییرات حاصل در ذهنیات توده‌ها، نظریات آنان در مورد جنگ، خرابی، گرانی، کمبود اجناس، سرما و بی‌خانمانی، شیوه برخورد آنان با حاکمیت و سیاستهای آن، همه و همه در برخورد های روزمره، گفتگوها و بحثهایی که در سراسر کشور در هر تجمع توده‌ای در جریان است منعکس میگردد. امروزه بیش از هر زمان دیگر صف‌های نمان، گوشت، خواربار، نفت و تخم‌مرغ، اتوبوسها - تاکسی‌ها، هرامن‌نشانها سرگذرها، مدارس، ادارات، کارخانه‌ها، مساجد و علامه تمامی نقاط شهر که توده‌ها در آنجا حضور دارند سزکیز برخورد آراء و نظریات و محل بحث و تبادل نظر است.

پویایی روشهای عمل و انتخاب تاکتیکهای مبارزه با انقلابی در گرو آگاهی هر چه دقیقتر و هر چه عمیق‌تر است. ذهنیت حاکم بر افکار مختلف طبقاتی میباشد. بهمین جهت است که هر رفیق هوادار مولف است با حضور فعال خود در تجمعات توده‌ای و در زندگی روزمره مردم تنه با افکار گریبا و جهت صحیح دادن به بحث و تشریح صحیح اصولی مواضع سازمان به ارتقاء آگاهی توده‌ها خدمت کند بلکه در همین حال با انتقال گزارشات دقیق، از برخورد ها، نظریات و بحث‌ها و ذهنیت حاکم بر توده‌ها هر چه بیشتر سازمان را در جریان تحولات فکری آنان قرار دهد.

برای نمونه در این جامعه می‌توان انجام شده از حدود ۵۰ هزار نفر خورده با افکار مختلف توده‌ها را منعکس می‌کنیم تا در همین آگاهی رفتن از چگونگی ذهنیت حاکم بر مردم و تحولات آن، اهمیت تهیه گزارش و برخورد نیز هر چه بیشتر روشن گردد.

لازم است توضیح دهیم که گزارشات منعکس شده مربوط به یکماهه اخیر است. آیا این ماه است که طرف برخورد این گزارشات افکار متوسط و پائین شهری در تهران بوده‌اند. این برخورد ها به علت کمیت قابل توجه آن میتواند بطور نسبی بیانگر روحیه و طرز فکر حاکم بر این افکار و طبقات باشد. در این برخورد ها افراد از نظر شیوه تفکرشان در پاره جنگ، هلاکت و عواقب آن و نظرات آنها نسبت به حاکمیت میتوان به چند گروه تقسیم نمود:

۱ - افرادی که کاملاً از حاکمیت و سیاستهای در قبال جنگ پشتیبانی می‌کنند. برخورد های این افراد در چهار چوب ثابتی نیست. سرخیز از سیاستهای جناح سنی مدور و برخی دیگر از سیاستهای حزب جمهوری اسلامی دفاع می‌کنند ولی در این طیف عمده ترین آنان افرادی هستند که تصمیمها و حرکتهای آیت‌الله خمینی را بدون چون و چرا قبول دارند. این دسته از افراد مشخصاً در برخورد های انجام شده درمدن بسیار با کفایتی (حدود ۱۰ درصد) را تشکیل میدهند و نکته قابل توجه اینکه به نسبت طولانی شدن جنگ تعداد این گونه افراد سیر نزولی طی کرده است. در این گروه از افراد در همین اینکه تا سیر تبلیغات حاکمیت از جمله بسزوم تسخیر بغداد، محاکمه صدام حسین، تعیین جنگ بصورت اسلام و کفر و... دیده شده می‌شود اما وجه غالب را گزارشات شورشی و "دفاع از زمین اسلامی" تشکیل میدهد. با ذکر چند نمونه از برخورد های اینگونه افراد به مساله جنگ بهتر میتوان به ذهنیت آنان پی برد.

بیمردینجا مساله‌ای \*  
میگفت " این سردار حسین ( ) هم از این نمیره، خدا از این ببردش و مردم ۳۵ ساله میگفت " به امید خدا " عراقی‌ها بدیکوبشمن، بغداد را بگیریم و آنجا یک نمازی بخوانیم " مسافری دیگری در جواب آنها گفت " ایران خیلی بتواند عراق را از خاکمون بیرون کند

\* در مورد سن افراد در اکثر موارد آنچه بنظر رفا تخمینی منطقی بوده ذکر شده است.

بقیه اش بیشکش " .

در اثنای سن ۶۰ ساله‌ای که غیر اثنای سوزی آبادان را. شهید صدای بلند گریه میکرد و میگفت " خدا عمره امام خمینی بده اگر او نبود حال عراقی‌ها تهران را هم گرفته بودند ". کارگر هه ساله شهرداری در حالیکه به سخنان خمینی گوش میداد " آره صلح با آتنی‌ها سفاکانه‌تره، ما برای اسلام می‌جنگیم، اگر آنها بیرون برودند و صدام را اعدام کنیم خوب است " کارگر ۲۰ ساله‌ای میگفت " اگر جنگ، به نفع ما نبود آقا هرگز جنگ را شروع نمی‌کرد، هر کاری آقا بکنه همان کار را می‌کنیم. اول باید خاکمان را بگیریم بعد صلح کنیم و تمام خسارت جنگ را از عراق بگیریم ". مرد نقالی می‌گفت " باید بجنگیم تا بیرون شویم... بدون اسلحه نمی‌شود جنگید فعلاً از آلمان و سایر بلادی می‌خریم تا ببینیم چه می‌شود " یک کارگر آهنگر عثیده داشت که " هر چه امام و بنی‌مدور و جانی بگویند همانست انقلاب شده باید ضرر را تحمل کنیم اگر صلح بشود به ضرر ما نباشد نیست " و آرایشگر هه ساله‌ای نظر میداد که " چون ایران میخواهد انقلاب را صادر کند آمریکا صدام را وسیله قرار داده و به ایران حمله کرده تا صدام و حزب او هست می‌جنگیم " .

المته رفتن با بد توجه داشته باشند که افراد متفاوتی از افکار متوسط و پائین که به علت نا آگاهی و توهمشان نسبت به حاکمیت چنین سرخیزوردی می‌کنند. افکار بی‌سره (از جمله تاجر و بازاریان مرفه‌خنده سوز و آزی سنتی مرفه و...) نیز بشکل آگاهانه از سیاست های دولت در مورد جنگ حمایت می‌کنند. در مورد گروه اول عمدتاً به علت ذهنیت حاکم بر آنان تبلیغات رقیب اعلامیه، بلاکار رد و... چندان تا سیر ندا رد زیرا که در قبال آن موضعگیری از پیش ساخته‌ای دارند و با حتی بدون توجه نمی‌کنند. در این موارد تبلیغ تفاهای از بردموشن و وسیع برخورد است. بخصوص در رابطه با افکار متوسط و پائین جامعه میتوان با بیان واقعیات عمیق و ملموس چون خرابی‌ها، گرانی و کشتار جوانان و تشریح رابطه این مسائل با تسریع و استتکی به امیربالیست و... بشکلی غیر مستقیم سیاستهای ضد خلقی حاکمیت و ماهیت ارتجاعی جنگ را افشاء نمود.

۲ - افرادی که وجه غالب در شیوه برخورد آنان را شورشی و کراسیات دفاع از زمین تشکیل میدهد این گروه بقیه در صفحه ۱۲

با اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

# یک ارزیابی

بقیه از صفحه ۱۱

در مقابل تبلیغات، اعلامیه ها تراکت و پلاکاردها و واکنش منفی و حاد نشان نمیدهند. کمیت بالایی این ذهنیت در توده ها و سعوا و اهمیت نیرو های انقلابی را نادیده می نماید. میگذارد و در بر خوردها این دسته افراد با بدسی نمودن حاد امکان با استفاده از زمینه موجود آن نسبت به ماهیت حاکمیت و مخالفت آنان با مساله جنگ، این آگاهی سطحی و شناخت غسی را تعمیق بخشد ریشه ها و علل اصلی جنگ و سیاستهای حاکمیت را بدقت برایشان روشن نمود. در عین حال با روشن شدن دقیق علل جنگ و ماهیت دولتهای ایران و عراق تا حد زیادی نیز میتوان بر شوینیم و تب دفاع از میهن آنان تا شیر نهاد.

در این مورد علاوه بر تبلیغ شفاهی شعار نویسی، نصب و گرداندن پلاکاردها و پخش وسیع تراکت و اعلامیه در مورد ماهیت جنگ تا سرسراشی دارد.

۳ - افرادی با بیست و شناخت صحیح (عمدتا حتی) نسبت به مساله جنگ - این افراد عمدتاً میدانند که جنگ موجود، جنگ بین دولتهاست و ادامه آن بر ضد توده های ایران و عراق و به نفع آمریکا و بورژوازی وابسته میباشد. مساله جنگ و مواضع آن در بالا رفتن سطح این بخش تا شیر سراسری نهاده است. نمونه های زیر نظرات متغایرتی این افراد را نشان میدهد:

کارگر جوانی میگفت "این جنگ نیست آدم کشی است، باید به هر ترتیبی شده صلح کرد، واقعیت این است که تا بحال بجز بدبختی، بیچارگی و ضعف چیزی از جنگ ما بهمان نشده است جوانی با گرایشات مذهبی میگفت "میدانی چرا نمی روم جنگه یا طرف بر سر عموم، این طرف ملنوس تراست بخدا اگر امروز آنها بروند فردا منم می روم ولی ما برویم بمیریم آنها زنده بمانند. من خودم حدود ۲۰ تا مسجد رفتم دیدم همه کسانیکه برای جنگ اسم می نویسند یا بیگارند یا بدبخت و بیچاره - می روم میانسانی که در بار کار میگردند میگفت "این بار از ریهایی بیست هستند شب میروند نشه می کشند صبح یک تومان ۲۰ تومان روی من می کشند خود حاجی ما از بزرگ های ۱۵۰ هزار تومان دوروزه گرا بتر فروخت "حوان دیبله ای میگفت "دولت ایران سیاست دارد، هر موقع داره ضعف میشود کاری میکنند که دوباره مردم را طلب کند. با ارسال سفارت را گرفت اما مال هم دید مردم دارند زده می شوند جنگ راه انداخت الان به سنا به جنگ کمونیستها و مجاهدین

از افراد از نظر شیوه برخورد به مساله جنگ طیف بسیار وسیعی را تشکیل میدهند که در برخورد با لاترین در صدراسته خود اختتامی میدهد (حدود ۶۰ الی ۶۵٪) در میان آنان تا حدودی گرایشات ضد حاکمیت بخصوص در شکل گرایشات "ضد خونگی" پیرو زوده است.

تعداد زیادی از این افراد حاکمیت را مسبب آدامه جنگ و خرابی میدانند، اما مساله عمده آنها را مساله بازگشت به مرزها و پس گرفتن مناطق اشغال شده و دفاع از خاک و میهن تشکیل میدهد، باید دقت کرد که این شکل از برخورد در اثار و طبقات بر سه و بالا نیز دیده می شود چند نمونه از اینگونه برخورد ها میتوان بد خوبی و وسعت و تنوع دیدگاه های این دسته را نشان دهد.

کارگر جوانی میگفت "دیروز که سفارت اشغال شد با پ آم تانیم باب آمد... حالا هیچکس بفرما نیست فقط میگویند صلح او با عصیانیت در حالیکه به کسانی پیشنهاد صلح میدهند میگفت "آخر صلح چی؟ آمده اند، اهواز با زهم صلح؟" کارمند ۳۵ ساله ای میگفت "جنگ فایده ندارد فردا یک وقت به

حای حقوق هم به ما بین میدهند باید هر چه زودتر صلح کرد ولی فقط وقتی از خاک ما بیرون بروند کارگر شن - ریزی شهرداری معتقد بود که "صلح خوب است بشرطی که از عراق از خاک ایران بیرون بروند جنگ کلا با عت خرابی و گراسی می شود و ادامه اش غلط است. در تشیع جنازه شهدای جنگ یکی از میان مردم گفت "بخدا این آخوندها انقلابیترند اینها مملکت را به گند کشیدند نمیدانم چرا دست از سرم ما بر نمی دارند" مردم هیچگونه عکس العمل منفی نشان ندادند. همچنین پیرزنی در صفت تخم مرغ میگفت "دانگاها را بیستند

دانشجویها را کشتند - شاه با همه تدرش نتوانست کردها را سرکوب کند؟ توت آخوندها میخواهند اینکار را بکنند؟ تمام وقت ما توی صفات و متوجه اوضاع مملکت نمی شویم توت آخوند های بول و طلا خا رچی میکنند زارتن همه که چیزی نمانده است. علی همیشه پرچمدار جنگ بود توت اینها صدوراخ قاچم شده اند و دستورها میدهند وزن زمکی در صفت ناواشی میگفت "هی میگویند که نمیدیدیم سید چه چیزی داریم ما دو تا نان اضافی نداریم آنها بی که این را میگویند آنها برنج و روغن دارند. گفتیم انقلاب می شود وضع بهتر میشه ولی گره بنبرو گوشه شور هفته ای یکبار با جنگ و دندان با بدگیر آورد. بازار تلاً با بقدر سختی نبود. زن در جواب خانمی که گفت "انثا الله درست میشود" با فریاد میگوید "کی درست می شود" ما گفتیم گفت وزیر با بدبختی می شود ولی با آمدن رفاهی جنگ هم شروع شد. این گروه از افراد بیعت شکسته شدن توهمشان نسبت به حاکمیت عمدتاً

را میگوید "کارگری میگفت "این حکومت با آن حکومت فرقش اینست که آن حکومت چون متعین بود با جنگال غذا می خورد کمی زمین میریخت ما هم می خوردیم، این با دست می خورد آن یکی دستش را هم میگیرد زیرش که زمین نریزد" کارگر ۱۸ ساله ای میگفت "جنگ راه ما عراق تحصیل کرد ولی کلا ضرر ماست فردا اسلحه میخوایم مجبوریم با آمریکا سازش کنیم" رفتگر ۵۵ ساله شهرداری میگفت "عامل جنگ ملاحا هستند و فقط فقر اگشته میشوند

آخرش هم آشتی میشود پس چه بهتر هر چه زودتر شود چون ضررش آتلا کمتر است". او ادامه میداد "این مردم بدبختی شون اینه که بکله شون فشار نمیدن و گرنه می فهمیدن که رژیم به نفع خودش کار میکند و ولت راه کشتن میدهد" راننده ۱۸ ساله ای میگفت "همش اسلام، اسلام، مردم انقلاب کرده اند و فضولون بهترشون الان هم مثل قبیل هر کسی میترسند حرف بزنند چون میگویند خدا انقلاب جنگ هم شده هوز با لاقوز

باقالی فروش ۵ ساله ای میگفت "من این جنگ را قبول ندارم قتل با فلا فروش بودم بعد از انقلاب هم با فلا فروش هستم با اینا چه جنگ خنده ای همه گراسی شده چه کار کنیم - این جنگ زرگری است. اینها می خواهند مثال من را که در مملکت زیادی هستند به جبهه بروند و کشته بشوند خود شون کیف کنند. جلوی مسجد که کارتها ای جیره بندی را تعست میکردند حدود ۲۰ نفر از زحمتکشان بودند در صحبتی که در گرفت عموماً معتقد بودند که اگر دولت اسلحه میداد همه میرفتیم جنگ هر کجا یک تیر هم که میزدیم عراق فرار می کرد ولی دولت اسلحه نمی دهد" کارگر قیر سالی

آنفالنگا می گفت "جنگ به نفع ما نیست. منافعی به جیب ما نمی رود بجز گراسی. جنگ میروند کشته می شوند همه با شین شهری وطنه ۲ می باشد. زن زحمتکش ۴۰ ساله ای که بیسوا بود میگفت "جنگ چه خوبی دارد فقط جوانهای مردم بیگانه کشته می شوند ولی خود شون که نمی روند جلو" او در پاسخ آنکه "مگر جنگ مال مردم نیست؟" گفت "نه مال دولت است برای ما چی دارد؟ فردا همه چیز گرون میشه الان هم گرون شده" عطار ۵۵ ساله ای که از خر مشهرا آمده میگفت "جنگ بخاطر گری های عراق غلط دولت خودمان و تجاوز گری های عراق شروع شده و با بد هر چه زودتر صلح کرد چون مردم کاملاً لاج شده اند" کارگر ۲۴ ساله لیا شوینی

میگفت "نمیدانم جنگ برای چه شروع شده و به صورت تمام می شود ولی میدانم که بسود ما و عراق نیست بلکه سود را کسی می برد که گراسی نشسته است" بنایی می گفت "جنگ راه نوده مستضعفان ایران میخواست و نه طالب عراقی جنگ را و دولت راه انداختند برای ما فقط ضروریان می آورد و بقیه

بقیه در صفحه ۱۱

# پیر و زباده مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



ناشی از استثمار، گرانسی، بیکاری، فقر و صدمه فشا را اقتصادی دیگر و بیرونی بودند. دهقانان، زیر بار فشارهای مالی، ستم بقایای فئودالیسی و زمینداری بزرگ سرمایه‌های بزرگ، و سیاستهای ضد خلقی رژیم شاه در مورد مسئله ارضی، قراردادها و سرانجام خرده بورژوازی شهری نیز که زیر بار فشارهای سرمایه‌های بزرگ، فشارهای مالی، گرانسی، انواع وابستگی اجزای حکومتی به ورشکستگی و خانه خرابی تهدید می‌شد، مجموعه این شرایط و عوامل مادی است که خلق را بعرصه مبارزه آشکار برای کسب استقلال، کشاند. این است دلیل اینکه چرا شعرا را استقلال تبدیل به شعرا بسبب کهنه‌های شده بود که آثار و طبقات مختلف خلق را بدور خود جمع کرده بود، و این شعرا دقیقاً با سخنگوی نیازهای عینی و مادی خلق بود.

اما آیا سراسر مبارزه ضد امپریالیستی و تلاش در جهت کسب استقلال، می‌توانست جدا از مبارزه برای دمکراسی باشد؟ خیر. توده‌های زحمتکش میهن ما مال‌های سال ستم ناشی از وابستگی و غارت امپریالیستی را زیر بوم و دیکتا توری عنان می‌بخشیدند، بردوش کشیده بودند که ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی را از توده‌ها سلب کرده بود توده‌ها دریافت بودند که در شرایط فقدان آزادیهای سیاسی و سلب ابتدائی ترین حقوق توده‌ها رژیم منفرود و مزدور شاه هرجه میخواست میگرد و هر مدائی را در گلو خفه می‌کرد. این بود که توده‌ها در به تجربه دریافت بودند که مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه با خاطر کسب استقلال از مبارزه با خاطر کسب دمکراسی جدا نشدنی است. این بود که در کنار شعار استقلال که همانا بیانگر مبارزه فدا امپریالیستی توده‌ها بود، شعار آزادی که بیانگر جنبه دمکراتیک مبارزه، خواستهای دمکراتیک و برقراری دمکراسی برای خلق بود، مطرح شد.

اگر طبقه کارگران ایران که تنها طبقه ایست که قادر است این مرحله از مبارزه خلق را برانجام بدهد و بخواستهای آنها پاسخ گوید و جا میسر عمل بپوشاند، بدلائلی که در اینجا مجال با زگو کردن آن نیست، نتوانست رهبری مبارزه خلق را در دست گیرد، خرده بورژوازی این رهبری را در دست گرفت و به توده‌ها وعده داد که در جمهوری اسلامی این خواستهای آنها برآورده خواهد شد.

آیا و تعبات جز اینست؟ و آیا آیت الله خمینی می‌تواند متکراً آنچه شونده خود پیش از قیام مکرر قبول آنرا به توده‌ها داده بود؟ پس اگر این شعرا توده‌ها با نگرخواستهای آنها بود، علتش چیست که کم‌کم همه چیز فراموش می‌شود و آیت الله مرحوم مطرح می‌کنند که مردم تنها برای اسلام

# انقلاب برای چه بود؟

بقیه از صفحه ۱

و غارت امپریالیستی را جستجو کردند که سالها زندگی توده‌های زحمتکش را به تباهی کشانده بود. این شعار بیان خواستها و تمایلات فدا امپریالیستی خلق ایران بود، خلقی که سالها تحت ستم امپریالیستی قرار داشت و بی‌سختی و وابستگی و خلقی که سالها تحت ستم و وابستگی قرار گرفته بود، و ستمگرانه امپریالیسم را با تمام وجود خود لمس کرده بود، اکنون برای رها شدن از قید وابستگی و ستم، از تید غارت و استثمار رها گشته بود.

خلق ایران که تجربه دریافت شده بود، در طول سلطنت منفرود پهلوی، میهن ما هر روز بیش از پیش تحت سلطه امپریالیسم قرار گرفته و به آن وابسته شده است، خلق ایران که تجربه دریافت شده بود میهن ما عرصه نا راج گیری و غارت انحصارات امپریالیستی و شرکای داخلی آن بورژوازی وابسته قرار گرفته است. خلقی که در زندگی و تجربه روزمره خود بعمیق دیده بود که دار و دسته بورژوازی حاکم به رهبری دربار و با حمایت و پشتیبانی امپریالیستها تمام ثروت میهن ما را غارت می‌کنند و در عوض خلق بیش از پیش مورد ستمگری و غارت قرار می‌گیرد و زندگی هر روز برای آنها دشوارتر و فلاتک با ترس می‌شود، خلق ایران که دریافت شده بود، تمام شئون زندگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی میهن ما وابسته به امپریالیسم شده است، بی‌اختیار تسلط امپریالیسم را از میهن ما براندا زده و هرگونه وابستگی را درهم بکوبد.

خلق ایران که تجربه پیوند سلطه امپریالیستی را با سیستم سرمایه داری وابسته دریافت نمود، خلق ایران که بطور عینی و ملموس فشارهای ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته و سیستم حکومتی حافظ آنرا دریافتند و در آثار و طبقات خلق هر یک بنحوی و در سطحی آن فشار را متحمل می‌شدند، با قیام خود بطور غریزی مبارزه با سلطه امپریالیسم و برانداختن هرگونه وابستگی را با حمله به سرمایه داری وابسته که اساس این سیستم و سلطه است آغاز کردند. در آن شرایط کارگران با فشارهای

چند روز پیش نیز همراه با قرا رسیدن مرحله‌ای تازه از رشدنا رضایتی توده‌ها و تضادهای فرا کسب‌های حاکم، آیت الله خمینی نطقی ایراد کرد که محور آن برخورد با دو مسئله مذکور بود. از آنجا که این مرحله بنا بدلائلی که ما در سرمنا له کار ۸۵ بدان اشاره کردیم مرحله تازه‌ای محسوب می‌شود، لازم دیدیم که دیدگاههای آیت الله خمینی را بپیرامون دو مسئله مذکور مورد بررسی قرار دهیم.

آنچه که آیت الله خمینی در سخنرانی اخیر خود در جمع بازاریان قم ایراد کرد، قبل از هر چیز با زبان نا توانی هیبت حاکم است که از پاسخگویی به نیازها و خواستهای اساسی توده‌ها با زمانه است و اینکه شرایط سخت زندگی، توده‌ها را به بوج بودن وعده‌های دوساله حاکمیت متقاعد می‌کنند و تمایلات آنها در حال فرو پاشیدن است و می‌باید که کوشش می‌کنند توده‌های ناراضی را آرام کند و از سوی دیگر "سران" را که بجان بکشد و افتاده اند به آشتی و سازش دعوت کند. آیت الله خمینی در این سخنرانی خود بیش از هر چیز بر این مسئله تا گتند می‌کرد و مدام آنرا تکرار می‌نمود که توده‌ها در تطهرات خود نشان دادند که اسلام را می‌خواهند، و عبارتی برای اسلام انقلاب کردند. ما در اینجا وارد این بحث که اساساً انقلابات ناشی از شرایط مادی و ضروریات عینی اجتناب ناپذیر است و نیز وارد بحث فلسفی این مسئله نمی‌شویم، اما اگر قضاوت خود را تنها بر آنچه که خود توده‌ها می‌گفتند و شعرا بر آن که با زبان محتوای مبارزه آنها بود، قرار دهیم، آنگاه روشن می‌شود که توده‌ها برای چه چیزی انقلاب کردند. بنظر میرسد که حتی آیت الله خمینی نیز نتواند منکر شود که شعرا توده‌های میلیونی، پیش از قیام، شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بود.

اگر این شعرا را بشکافیم بخوبی روشن می‌شود که واژه‌های "استقلال و آزادی" که در این شعار مطرح شده بود نه بنا به میل و اراده افراد بلکه از ضروریات عینی جامعه و مرحله انقلاب ناشی می‌شده است. در حقیقت شعار "آزادی" و "استقلال" بیانگر محتوای مبارزه فدا امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها بود که با توجه به خصومت خرده بورژوازی جنبش ورهبری آن با توجه به جووسیعاً مذهبی که ایجاد شده بود، جمهوری اسلامی، بعنوان شکل تحقق این محتوا مطرح شده بود.

توده‌ها شای که خاطر دست یابی به استقلال و آزادی قیام کرده بودند، اما عمیقاً دجا ذهنیت خرده بورژوازی وجو خرده بورژوازی حاکم بودند، چنین تصور می‌کردند که با برافتادن نظام سلطنتی و استقرار جمهوری ایلامی با استقلال و آزادی دست خواهند یافت. آنها در شعرا استقلال نفی هرگونه وابستگی، نفی هرگونه ستم، استثمار

## رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است









## “تخصص و مکتب” دستاویزی برای کسب قدرت بیشتر بقیه از صفحه ۱

فرماندهان متخصص آریا مهری با سازی کامل نمودند در این راه از موقعیت جنگی نیز حداکثر استفاده را میبرند. برای لیبرالها “تخصص” یعنی اتکا و توسل به امپریالیسم، تخصص یعنی لزوم بکارگیری مهره های امپریالیسم ویا “نمیلگردگان” لیبرال - تخصص بهانه ای است برای بازسازی و تحکیم هرچه سریعتر روابط وابستگی. در عین حال لیبرالها و در رأس آنان پنی صدر قصد دارند با اتکا به مساله “تخصص” جناح “حزبیون” را (که تخصصان در “مکتب” است) یکناری بزنند.

این مبارزه “مبارزه بین انقلاب و ضد انقلاب” نیست بلکه مبارزه ای در درون اردوی ضد انقلاب است. مبارزه ای نیست که بر سر از بین بردن یا بازسازی روابط سرمایه داری باشد بلکه مبارزه ای است بر سر “چگونه و به چه وسیله” بازسازی کردن این روابط سرعت و چگونگی این عمل. این مبارزه نه مبارزه ای در جهت اعتلای مبارزات خلق و تا مین منافع و خواسته های توده ها بلکه مبارزه ای است بر سر شیوه های تحمیل توده ها و وسیله انحراف کثارتین و سرکوب مبارزات - آنان. مبارزه بر سر اینست که چگونه میتوانیم ضرب خورد سرمایه داری وابسته را با سرعت هرچه بیشتر بازسازی نمود بشکلی که باعث آوج گیری مبارزات خلق و بالا گرفتن موج اعتراض آنان نگردد و در عین حال منافع بورژوازی متوسط تا مین شود. این مبارزه بر سر کسب قدرت و اعمال هژمونی است. مسلما “لیبرالها مخالف بکارگیری “مکتب” در جهت به انحراف کشیدن مبارزات توده ها و تسهیل و بازسازی سیستم نیستند. اما آنها خواستار اعمال هژمونی خود بر “مکتبیون” هستند و همین علت نیز تا کید نسبی بر بکارگیری “متخصصین مکتبی” دارند و همچنین حزبیون نمی توانند بدون بکارگیری “تخصص” به بازسازی سیستم نپردازند. و چنین چیزی راه نهم نمی خواهند اما بخاطر اعمال هژمونی بر جناح دیگر تا کید خود را بر تقدم “مکتب” بر “تخصص” می نهند.

بر اثر مبارزات آشکارا و پنهان جناح های حاکمیت بر سر کسب قدرت هر چه بیشتر توده ها بدرجه به ماهیت آنان پی می برند. توده ها در تجربیات عملی خود در میابند که دعوا بر سر استعما و وزارت هرچه بیشتر آنان است. دعوا بر سر اینست که چه کسی سهم بیشتری از دسترنج آنان را به جیب بزند. در این میان بتدریج توهمات توده ها نسبت به حاکمیت از بین می رود. در این کشتاکن مبارزه طبقاتی همانطور که “مکتب”، که توسط حزب جمهوری اسلامی و سایر “مکتبیون” در جهت تحمیل توده ها بکار گرفته شده است، بتدریج رنگ میبازد، همانطور نیز توده ها در اثر تجربیات عملی خود به ماهیت “تخصص” گرایان و بکارگیری “متخصص” از سوی لیبرالهای پی خواهند برد. توده ها در میابند که “مکتب و تخصص” هر دو از سوی جناح های حاکمیت جهت تحمیل و به بند کشیدن آنان و در راه بازسازی هرچه سریعتر روابط وابستگی بکار گرفته شده است.

نمیخواهند بنیاد سیستم، مالکیت و روابط وابستگی را مورد چون و چرا قرار دهند. آنها فقط وحشتان از این است که هرگاه معیار بر اساس “تخصص” قرار گیرد لیبرالها دور از دستشان می ریزند. کلا حزب جمهوری اسلامی خواستار بازسازی و تحکیم روابط سرمایه داری وابسته از طریق تلفیق آشکار دین و سیاست است و فقط زمانی این شیوه هژمونی خود را در حاکمیت اعمال میکنند که “مکتبی” بودن بعنوان معیار قرار گیرد. به این علت است که حزب اینگونه بر “مکتب” و “مکتبی” بودن پای فشارد.

اما در سوی دیگر لیبرالها تراسر دارند. این جناح با اتکا به عناصر تکنوکرات و “درخواستنده” خود بر لزوم “تخصص” تا کید بسیار دارد. پنی صدر به نمایندگی از سوی لیبرالها در پاسخ حزبیون میگوید، “این دوسه قرن وابستگی را از تخصص بدست آوردیم یا از دانشن تخصص؟ اگر ما علم و فن داشتیم و خودمان می ساختیم حالا دیگر برای قطعه یذکی هزار مصیبت نمی کشیدیم. اگر ما تخصص داشتیم چطور ممکن بود که ما در های کشورمان را بروی خارجی ها یا زکنیم... (انقلاب اسلامی و جنبه ۱۱۹ آنان)

این سخن نیز بسیار مشخص است. پنی صدر به زبان بی زبانی میگوید: علت دو سه قرن وابستگی این کشور، علت اینکه امپریالیستها توانستند در این مدت شیره جان و تمام دسترنج زحمتکشان مین ما را به بغا ببرند فقط این است که بلافاصله وقت از جمله شاه جلاد به اندازه کافی تکنوکراتها و متخصصین را بخدمت نمی گرفتند! و در نتیجه راه حل نیز بسیار ساده است. باید با حفظ سیستم آترایدست متخصص ها بسیاریم تا به “خودکفایی و تولید ملی” دست یابیم و از شر امپریالیسم خلاص بشویم.

می بینیم که لیبرالها نیز در اصل مساله یعنی ابقای روابط وابستگی و مناسبات سرمایه داری اختلاف نظری با حزب ندارند و فقط دعوا بر سر اینست که این عمل توسط “متخصصین” انجام شود. لیبرالها می خواهند بهانه لزوم “تخصص” و در پوشش بکارگیری “افراد متخصص” روابط سرمایه داری وابسته را هرچه سریعتر بازسازی نمایند. آنها می خواهند بنیوسلیه به بازگرداندن مستشاران و “متخصصین” خارجی بپردازند. آنها قصد دارند مدیران سرسپرده را در پوشش “تخصص” بسترگاریها بازگردانند. لیبرالها میخواهند ارتش ضد خلقی را بهمین شیوه شاهنشاهی و توسط تیمسار رهبرها و

زیادی دریافتن راه حل “پنهانی” و حل مساله در “بین خود” و جلوگیری از بروز “عکس العمل تند” دارند چنانکه بهشتی میگوید “مردم میخواهند که مستولان اختلاف نظرهای منطقی شان را بین خود و با انجام گفتگو و استدلال حل کنند” هاشمی رفسنجانی میگوید “اختلاف نظری نباید منتهی به عکس العمل تند شود” و در نهایت خامنه ای مردم را بشتدت تشویق می کند تا “پای خود را از این مسائل و کلا” از سیاست “کنار بکشند” (جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۸، سه شنبه ۲۰ و شنبه ۲۲ آبان).

اما لیبرالها چنان جرات یافته اند که بنی صدر دست به سخنرانی و افشاکاری میزند و حزب و سران آتر را از تصفیه حساب توسط مردم میترساند. ویسا قطب زاده این عامل سرسپرده، این “مردم” که چندان هم قابل شیون نیست “علیرغم تا کیدات مکرر آیت الله خمینی بر حفظ وحدت کلمه” و بزبان نیاروردن سخنان “مفروضه افکن” پنهان حزب را روی آب می ریزد. اینروزها می بینیم که حربه “تظاهرات” و “جمع آوری طومار” دوباره - و اینبار در جهت تحکیم مواضع لیبرالها - بکار گرفته شده است. حزب جمهوری اسلامی که تثبیت هر گونه همپا روضا بطی بر اساس “تخصص” و تسلط بر علوم جدید” را بعلت وضعیت برتر لیبرالها بر ضد خود و به معنای عقب افتادن از قافله قدرت می داند، در پس سنگر “مکتب” موضع میگیرد. حزب در ارگان خود در مقاله ای تحت عنوان “از دانش تا ارزش” پس از تاختن بسیار بر لیبرالها حرف اصلی خود را چنین طرح می کند که “چرا کشا و رزی ما در سال گذشته نتیجه ای عالی ببار آورد و چرا این چنین موقعیتی را در سطح کارخانه ها بدست نیاوردیم؟ بخاطر اینکه دهقانان مخاطبان مستقیم امام بودند. بخاطر اینکه این حکم در دستگاه لیبرالی حاکم تغییر شکل و محتوا نداد و بخاطر آنکه کارخانجات در چهار جنوب همان نظام متحجر بوروکراتیک و تکنوکراتیک دست و پا می زد و لیبرالیسم با اصل تقدم “تخصص” بر هر چیز و پیش از تولیدی “تولیدی”... نزوایی موقت را برای نیروهای اصیل اسلامی فراموش کرد”. ویسار ادا می دهد “آیا رسیدن به خودکفایی و تولید ملی تنها با تکیه بر تخصص و سپا دادن به “تجربه” امکان پذیر است” و پنا سخ می دهد مسلم است نه با بددید “یک متخصص... میخواهد چه چیز را بسازد یا میخواهد به ساختن یک جامعه سوسیالیستی بپردازد و می خواهد یک اقتصاد سرمایه داری آزاد را پی افکند... و در نهایت نتیجه میگیرد که “ملاحظه میکنید که اینجا بازم اصل تقدم “اخلاق بر علم” و “ارزش بر دانش” اثبات میشود و خلاصه کلام اینکه تنها بکارگیری افراد “مکتبی” است که ما را به مقصود خود یعنی “خود کفایی و تولید ملی” می رساند و پس. ساله روشن است حزب جمهوری اسلامی در مورد اصل مساله سخنی ندارد. “مکتبیون” کلا در مورد شکل مالکیت و روابط اقتصادی حاکم و بقای سرمایه داری اعتراضی ندارند. اختلاف نظر آنها با لیبرالها اینست که چرا “تخصص” ما میخواهند سیستم را بشکل دلخواه خود بازسازی کنند؟ حزب و حزبیون



## هسته‌های سرخ کارخانه ...

۴۰۰ نفر در ۲۰ واحد

فرباید مسئولیت کارائتارات و توزیع را در سطح واحد عمده بکند. این رفیق علاوه بر حفاظت و اداره - هسته انتشاراتی، باید سیستم توزیع شریات را چه از درون کارخانه و چه از بیرون آن هدایت نماید. رفقای توزیع کننده باید تجارب و گزارش بخش خود را در اسرع وقت در اختیار رفیق مسئول قرار داده، تا پس از جمع بندی در اختیار واحدهای دیگر قرار گیرد. به این ترتیب می توانیم جلوی ضربات زیادی را بر میکسرا زمان (با حزب) بگیریم.

همواره در کارخانه نیروهای هسته که حاضر در شریات ما را بخش کنند. اما در آن سطح کیفی نیستند که با آنها ارتباط گرفته شود. هسته های کارخانه موظفند این نیروها را پیدا کنند. طریق رساندن شریات به این نیروها باید طوری باشد که رفقای کارگران شناخته شوند. لازم است از هم اکنون رفقای هر کارخانه در مورد تهیه آدرسهای خانه کارگران آن کارخانه باشند تا در صورت حاکم شدن جواختنایی، بتوانیم شریاتمان را از طریق خانه کارگران بدست آنها برسانیم.

### در باره شریات کارخانه

تجربیات این مدت نشان داده است که بدترین شکل ارائه شریات دادن محلات قطور ما هاست. ماه دوم ماه یکبار، درون واحدهای کارگری است. این شریات که در مضمون تبلیغ و ترویج، هر یک ساری برای خود می نواختند، بخاطر کمبود بودن اخبار و وقایعی که در آن آورده میشد و هم چنین حجم بودنشان، نه خملت جذب کننده داشت و نه خواننده ای در بین

قیام، بهر حال اعلامیه بخش میشود این ما هستیم که با بررسی مشخص از اوضاع مشخص، باید شیوه صحیح را که تلفات را به حداقل ممکن تقلیل دهد، دریابیم.

اما مسئله مهیتر، رساندن سریع شریات به کارگران است. که این وظیفه عمدتاً از کانسال هسته های توزیع بیرونی می گذرد. این رفقا با بخش مستقیم در کنار در کارخانه (البته با در نظر گرفتن طرحهای دفاعی و راههای فرار) یا با ریختن شریات در خانه کارگران کارخانه، میتوانند در اسرع وقت به وسیع ترین شکلی این کار را انجام دهند.

ولی باید تاکید شود که اگر کارگران، شریات مربوط به خودشان (روزنامه کارخانه) را از درون کارخانه بگیرند، اگر بداند نشریه بوسیله کسی در آنجا پخش میشود که ممکن است در قسمت خودشان مشغول بکار باشد، نسبت به آن واکنش مساعدتری نشان خواهند داد. ضمن اینکه همچنین باید در نظر داشت که در نهایت، این مضمون نوشته های ما است که جذب کارگران به نشریه وسیع آنها را تعیین می کند. اینکه بتوانیم از مسائل مشخص و ملموس آنان سخن بگوئیم، رهنمود علمی مشخصی در مبارزاتشان ارائه دهیم و تاکنیک های مبارزاتی ارتقاء بخشیم.

کمیته کارخانه، در صورت کمترین کار تبلیغ و ترویج بهتر است یک هسته انتشاراتی در کنار خود ایجاد نماید. در صورت تراکم کار بهتر است رفقای توزیع کننده، با این هسته در ارتباط مستقیم قرار گیرند. ضمناً با آوری میشود که وظایف درونی هسته های توزیع و انتشارات تا حد زیادی به خصوص در ایجاد سیاسی - ایدئولوژیک همان وظیفه درونی هسته های سیاسی - مخفی است.

از رفقای کمیته کارخانه، یک

کارگران میانی و پائین، بهر حال منظور ما از نشریه کارخانه "مجلات" فوق نیست، بلکه داشتن یک ارگان مخصوص کارخانه است که عمدتاً از طریق تراکت، و اعلامیه حضور فعال و زنده خود را می نمایاند. ارگانی که مسائل خاص کارگران آن کارخانه را طرح کرده و بتواند آنرا با خطی که توسط ارگان مرکزی ارائه میشود پیوند زده و تا حد لازم، مسایل جامعه را بدرون کارخانه ها بکشد. ارگانی که کارگران را از تمام وقایعی که در کارخانه اتفاق می افتد، مطلع میسازد. ارگانی که آگاه کننده، رهنمود دهنده و در نهایت ارتقاء دهنده سازمان دهنده اعتراضات مشخص درون کارخانه میباشد. نشریه کارخانه باید در مبارزات روزمره کارگران شرکت داشته باشد. باید یادادن - اخبار و رهنمودهای زنده، بیشترین طیف کارگران را بطرف خود جذب کند، و باید آنچنان بروسه ای را طی کند که کارگران آنرا حاکمی خود بدانند. این نشریه باید با نفوذ در مغز و قلب کارگران، خود را به یک محور، در کارخانه تبدیل کند. محوریکه در رأس آن هسته های مخفی کارخانه قرار دارند و وظیفه وسیعی از کارگران آنرا احاطه کرده اند. مضمون حرکت شریات در شرایط کنونی باید بسطها باشند.

۱- افشای ماهیت حاکمیت و زودن توهم کارگران نسبت به آن به وسیله حرکت از مسائل مشخص کارگران.

۲- جذب سیاسی نیروهای آزاد شده از بند و هومات بسوی خودمان، قبل از آنکه بطرف آلترنا تیوهای دیگری کشیده شوند، با دچار بی تفاوتی سیاسی گردند.

۳- افشای چهره اپورتوننیسم راست درون کارخانجات و بیزوله کردن

بقیه در صفحه ۱۸

# تعطیل دور و در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است



# يك از زیبایی ها

بقیه از صفحه ۱۲

مردی در اتوبوس میگفت "چه وضعیه هیچ چیز پیدا نمی شود مثل مرغ باید ساعت ۷ بخوابیم، ما جنگ می خواهیم چکار؟ دیگری ادامه داد که "تازه اگر دولت بیرون رود تازه گفتن به مراتب سخت تر می شود و کسی نمی تواند حرف بزند" میوه فروشی میگفت "تا گفتند همپا را، پولدارها فوری روی شیشه ها شون ضربت روکا غنڈضو زدند و دلولی ما چی، خانه کا هگلی و آلونک که دیگر ضربت نمی خواهد. و بالاخره راننده پیری میگفت "نمی دانم این جنگ چه منفعتی بر ما ان دارد که مرتسب تبلیغ می کنند، لشکر حسین و یزید، املا میدا نید چرا را اینکارها را میکنند برای اینکه خودشان دیگر نمیتوانند جواب مردم را بدهند. همین سروصداها را راه می اندازند تا مردم نفهمند چه می گذرد". اینگونه افراد در عین حال که نسبت به تبلیغات افشاگران در مورد جنگ و اخبار آن و همچنین ماهیت و عملکردهای حاکمیت تمایل بسیار نشان میدهند خود نیز عمدتاً در محیط زندگی و کار خود به شکل یک مبلغ عمل می نمایند، در رابطه با این افراد دهر شکل از تبلیغات مترقیانه تا نسبت مثبت خود را می بیند، در این مورد عمدتاً اعلامیه های توضیحی که ماهیت دولت های ایران و عراق و همچنین سیاست سازمان نسبت به جنگ را شکارفته باشد تا تیربسیار مثبت دارو یا بدشکل وسیع مورد استفاده قرار گیرد، باید شناخت این افراد که عمدتاً حسی است به خدمت عین و مبتنی بر دلایل روشن و مشخص بدل گردد.

باز هم لازم به تذکر است که سرخوردنها با اقرار متوسط و با عین شهری در تهران صورت گرفته است بر طبق گزارشات موجود جو خاکم در شهرهای جنگ زده شدت بر ضد حاکمیت است و توهمات توده ها در باره حاکمیت بسیار فرور ریخته است. در انچه ناکاتی چند را باید تذکر داد تا بخصوص رفقا در سرخوردنهای خود بدقت آنها را در نظر داشته باشند. بر اثر گذشت زمان و ادامه جنگ، جوش و نیستی غالب که از سوی دولت و اپورتونیستها دامن زده می شود فوکن نموده و سرعت از بین می رود. نشانه های عینی این مساله را در پی بی توجهی و عدم تحویل کمک های جنسی و تنیدی به ماشینها و چادرهای بسیج، بی تفاوتی نسبی نسبت به آ زیر قمر و خا موشی - بسیعی اعتمادی کامل نسبت به اخبار را دیو تلویزیون و رشدنا رضایتی و ابراز آن

در اجتماعات توسط مردم دیده میشود - همچنین با دقت در سرخوردنها میتوان کم شدن این شوه را سرخوردن را سرگذشت زمان از شروع جنگ را کا ملادریافت. در عین حال میتوان مشاهده کرد که سرعت توهمات توده ها نسبت به حاکمیت فرومی یزید، اما در هر صورت وجه عمده ذهنیت توده ها را در مورد مساله جنگ، ناسیونالیسم کور و دفاع از میهن - تشکیل میدهد. و در این رابطه لزوم حضور فعال و تبلیغات وسیع در حوز نظر و مواضع سازمان دیده می شود - زیرا بقا و رشد این گزارش به همراه جو ضد آخوندی که در میان توده ها در حال رشد است در صورت عدم سرخورد فعال نیرو های مترقی زمینه بسیار مناسبی برای رشد لیبرالها و همچنین نیروهای وابسته به بورژوازی بزرگ می باشد ولی نکته بسیار مثبت اینست که توضیحات رفقا در باره ماهیت طبقاتی جنگ، علل و عوارض آن و صدمات آن به زحمتکشان کا ملا و در وجه غالب پذیرفته می شود. این خود کمک موثری برای هر چه وسیعتر نمودن تبلیغات و افزایش سرد آن می باشد.

در بسیاری موارد حرکات اعتراضی و متناوب در مقابل فشارهای حاکمیت و نیروهای سرکوبگر آن دیده شده است. مثلاً در بمب بنزین ها، در مقابل اجاف رشوه گیری با پارتنی بازی در مقابل تعرضی پاسداران به مردم و با در مقابل بورش نیروهای انتظامی به نیروهای انقلابی - این حرکات در شهرها بی که تعرض به مهاجران جنگ انجام میگیرد بصورت شدیدتری می باشد در اینگونه موارد رفقای هوادار موظفند با شرکت در اینگونه حرکات اعتراضی و سعی در دادن جهت و سوی مشخص به آن مکان بیشترین استفاده را در جهت افشای سیاستهای حاکمیت و ماهیت ارتجاعی جنگ، بنمایند.

رفقا! موقعیت جنگی به رشد تضاد های طبقاتی سرعت بخشیده است و در این رابطه وظایف ما و تمامی نیروهای مترقی بس سنگین و حیاتی است. عدم حضور فعال ما در میان توده ها - عدم وجود تبلیغات کافی برامون ماهیت ارتجاعی جنگ، روشن نکردن ماهیت واقعی حاکمیت و همچنین عدم توضیح علل تضاد لیبرالها با حزبین و ماهیت "آزادخواهی" کذایی آنان - روشن نکردن موضع ضد خلقی بختیارها، پالیسیانها، اویسی ها و سایر دستجات ارتجاعی همه وهمه زمینه را برای رشد هر چه بیشتر این جریان ضد خلقی و یاد آوری زدن به توهمات توده ها و به انحراف کشیده شدن مبارزات آنان آماده می سازد. باید تمام سعی رفقای هوادار سازمان با شما می توان خود مواضع سازمان را به میان توده ها برده و به روشی و به طریق ممکن و در هر کجا باید افشای ماهیت ارتجاعی جنگ و مصاد حاصل از آن بپردازند.

## رفقا، دوستان، هواداران!

بسیاری از رفقا با فرستادن گزارشهای خمر و عکسهای مختلف برای "کار" نه تنها با بیجا دیک ارضاط ارتکانیک بین نیروهای فعال سیاسی - جامعه کمک میکنند بلکه "کار" را نیز تغذیه کرده و به عنای آن کمک می نمایند. ما ضمن تا کید بسیار برای رفقا، از همه رفقا می خواهیم که در این زمینه فعال هستند میخواهیم که نکات چندی را رعایت کنند تا کارشان مفید تر و تا بلا استفا ده تر باشد و از جمله:

عکسهای رنگی به هیچ وجه برای ما قابل استفاده نیستند - عکسهای رنگی در جاب ساه و سفید، تا رنگ و تیره میشود، عکسهای سیاه برای ما مفید است. حتماً ساه و سفید باشد، عکسها با بد روشن و واضح بوده و شرح توضیح مربوطه حتماً پشتش نوشته شده باشد.

اخبار روزگزارشات با بد موشی کا مل و غالباً زنیسه و اساه می باشد، دقت کنید اخبار روزگزارشات که میفرستند حتماً شامل زمان، مکان، چگونگی و شرح واقعه، دلیل بروز آن، علل و صورت در آن و نتایج بسیار آمده باشد، مثلاً اگر گزارش از یک حرکت دهقانها یا کارگری است حتماً با بد نتیجه آن نیز ذکر شود. توضیح آخرا اینکه حتماً در مورد خبر و گزارش که میفرستید شایعه بودن یا موش بودن آن را نیز ذکر کنید، موفق

باشد

## دولت جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۲

دهند، و همراه با شرکای خود یعنی انحصارات امپریالیستی مبین ما را در چنان در بند و استی و امپسارت نگاهدارند.

دولت جمهوری اسلامی امروز و قات رانانها را بنا بر آنده است که حتی سرما به های آن سرما به دارانی که زیر فشار توده های کارگر معاد شده بود، با آنها بازی می گرداند، رئیس دادگاه انقلاب اسلامی! نیز طی حکمی دستور میدهد که کلیه اموال منقول و غیر منقول حاج جواد برق لایع و ارفا بهیو نزدیکان درجه یک وی با و بهیو از گردانده شود، و این نتیایک نمونه از احکامی است که دادگاههای انقلاب! بشفیع سرما به داران صادر می کند. آیا برای طبقه کارگر زمین ما بویژه کارگران تیریز که بخوبی سرما به دار معروف حاج جواد برق لایع را می شناسند، کمترین تردیدی باقی میماند که رژیم جمهوری اسلامی نیز از منافع سرما به داران دفاع میکند و حامی آنهاست؟

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



# "دمکراسی" اسب پلائی لیبرالیسم!

بقیه از صفحه ۲

از سر میگذرانند، یکی زویژگی های این مقطع آن است که لیبرالها بعلت کاهش نقشان در دستگاره دولت و برای کسب وجهه سیاسی در میان توده ها پرچم "آزادی" و "دمکراسی" را بدست گرفته اند، آنها با تمام امکانات و با استفاده از تمام وسایل ممکن و با شکل گوناگون به تبلیغ و ترویج دمکراسی دروغین و فریبکارانه، سرمایه داران پرده خسته و تلاش کنندگان مبارزه توده ها را در چارچوب منافع و اهداف خود که چیزی جز کسب امتیازات بیشتر و قدرت برتر در دستگاه دولتی نیست، محدود سازند، آنها سعی میکنند با طرح مسائل نظیر "ضرورت رعایت قانون اساسی و معیارهای دمکراسی تخصصی"، "ضرورت بحث آزاد سیاسی و حفظ حقوق فردی و اجتماعی"، "ضرورت پیوستگی در جنگ" و... پشتیبانی توده ها را نسبت به خود جلب نموده و در کوتاه مدت فشار از پائین را بر روی حزب جمهوری اسلامی اعمال کرده و در درازمدت از این پشتیبانی وسیله مطمئنی برای اعمال حاکمیت خود فراهم کنند. این طرفداران فعلی چیزی است که نه کمونیست ها و نه دمکراتهای انقلابی نباید لحظه ای از آن غفلت کنند. کمونیست ها با عدم مسئولانه و بطور جدی علیه این خطر بیهوده مبارزه برخاسته و "دمکراسی" لیبرالی را افشا نموده و محتوای جنایتی آن را در برابر توده ها برملا سازند. اما نه بشیوه های مصلحت گراییانه و فرصت طلبانه ای که حضرات "کمیته مرکزی" و حزب توده در پیش گرفته اند، بلکه بشیوه بیروتیترین،

بگیریترین و سرسخت ترین نیروی دمکرات یعنی بشیوه "کمونیستهای انقلابی". بشیوه ای که حزب توده و "کمیته مرکزی" در مبارزه علیه لیبرالیسم (البته این دو جریان، یعنی صدور شرکایش را جز جزو لیبرالها بحساب نمی آورند) بلکه از آنها بعنوان نمایندگان با اصطلاح دمکراسی ملی یاد میکنند! (تبلیغ و ترویج میکنند، بشیوه ای است که نیروهای انقلابی را یکجا با ما از حزب جمهوری اسلامی میندازد، بنابراین دیگر سیاستهای آنان در این زمینه سیاست نفی خواست های دمکراتیک توده ها است.

آنها با لب فرو بستن در مقابل بسیاری از اقدامات ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی عملاً با غش این جناح زهیشت خاکمه در غلطیده و هرگونه تلاش و مبارزه و سازماندهی در جهت مطالبات دمکراتیک توده ها، بی شرمانه و بی ادبانه امپریالیسم و لیبرالها میداند. کمونیست ها بویژه در لحظه تاریخی کنونی، هیچگاه نباید مبارزه برای تحقق دمکراسی را فراموش کرده و با حتی آترابه و طبقه درجه دوم در مجموعه فعالیت سیاسی خود تبدیل کنند، زیرا اولاً: لیبرالهای درون - حاکمیت از یکسو و دولت های امپریالیستی و ارتجاعی ترین معافل سرسپرده و مزدور آنان از سوی دیگر، در این زمینه با یکدیگر همصد شده و با اشاعه نوهسات دمکراتیک سعی میکنند توده ها را بسوی خود جلب نموده و در تحولات سیاسی آینده نقطه اتکائی برای خود فراهم کنند. و این خطر بزرگی است که تمام جنبش

فدا مبرال لیستی - دمکراتیک خلقهای میهنمان را تهدید میکند، برای مقابله با این خطر بزرگ، خط مشی صحیح و اصولی و مبتنی بر ما رکسیسم - لنینیسم انقلابی بما حکم میکند که با هرگونه تزلزل - سزلو انفعال در زمینه دفاع از آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها، بطور جدی مبارزه کنیم، زیرا کسب آزادی و دمکراسی یکی از مضمونهای اصلی انقلاب بوده است که بطور عینی و مستقل از اراده بشیرو، از زندگی و مبارزه توده های خلق سرچشمه میگردد، بی توجهی بآن فعلیت و توطئه لیبرالها را خنثی نمیکند بلکه بیش از پیش راه را برای بشیروی آنها هموار میکند.

ثانیاً: کمونیست ها با دید منطور گسترش پیوندهای خود با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میهنمان و با یه گذاری حزب طبقه کارگر، بیش از پیش، در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه هیئت حاکمه و تشدید جواختناق، مقاومت کرده و پیشقدم مبارزه برای دمکراسی گردند. رهنمود سازمان به کلیه هواداران در سراسر کشور آنستکه رفاقت و مشی سازمان را در این زمینه پیگیرانسه دنبال نموده و با شرکت فعال در مبارزات توده ای، بکوشند لیبرالیسم را با تمام توان افشا و از صوف توده ها طرد نموده و بدینوسیله پیوند خویش را با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میهن گسترش بخشد.



## رهبران جمهوری اسلامی به شکنجه انقلابیون و آزادی کودکان مجاز و مردود اعتراف می کنند

بقیه از صفحه ۱

و منزوی کند، در سخنرانی خود میانسبت روزعا شورا، مساله اعمال شکنجه و توتل بشیوه های ساواک در جمهوری اسلامی اشاره کرد. البته این مساله تا زکی نداشت و برای اولین بار نیز مطرح شده بود بلکه نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما اکنون مکرر در این زمینه دست با فشاگری زده و توده های زحمتکش را در جریان برقراری مجدد شکنجه در جمهوری اسلامی گذاشته اند. اما این مساله بدین لحاظ دارای اهمیت بود که مردم از زبان رئیس جمهور میشنیدند که بوجود شکنجه در جمهوری اسلامی اعتراف میکند.

چند روز بعد حجت الاسلامی شهری قاضی شرع دادگاههای انقلاب ارتش ضمن مصاحبه ای که متن آن در روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۳ آذر بجا رسیده، در مقام تکذیب سخنان بنی صدر آمد و اقدامات فدا خلقی بنی صدر در زمینه آزاد کردن پنجاه و یک کودتاچی از زندانها و افشا کرد. حجت الاسلامی - شهری در این مصاحبه ضمن ابراز تاسف از اینکه رئیس جمهور در این شرایط حساس بوجود شکنجه اعتراف کرده است و او هم در عوض مجبور شده است دست بنی صدر را رو کند، میگوید: "مساله

بعدی، مساله شکنجه است که آقای بنی صدر مطرح کرده اند و البته جای تاسف هست که در این موقع که ما نیاز به تفاهم داریم، این مساله مطرح میشود، اگر مقصود از شکنجه تشبیه هائی است که اسلام بعنوان حدود و تعذیرات مطرح میکند مثلاً اسلام میگوید کسی که زنا میکند و عرق میخورد با بدلتاق بخورد، اسلام گفته، کسی که زنا و گناه انجام دهد، باید تشبیه شود و صریحاً هم میگوئیم که اگر مقصود از شکنجه معنی رسمی اش هست که در ساواک وجود داشت و در دنیا مطرح هست، خوب بود آقای بنی صدر این سخن گزارش را که با بیان داده اند، بیایند تحقیق کنند و نمابنده ای بفرستند در زندانها و ببینند و اگر شکنجه ای مشاهده کردند بما هم بگویند تا ما هم بدانیم و اگر ملاحظه کردید که ما با این گزارش ترتیب اثر نمیدهم، آنوقت هراقدامی که لازم است انجام دهند."

حتماً انقلابیونی که در دوران رژیم مزدور شاه زندان بگویند تا ما هم بدانیم که بنحوی در جریان شکنجه های حیوانی ساواک قرار گرفته اند، بیاد دارند که رژیم شاه نیز تا آخرین لحظات منکسر وجود هرگونه شکنجه ای میشود و همچنین کسانی که در رژیم گذشته زندانی سیاسی

بوده اند، بخوبی آگاهند که در بسیاری موارد، بویژه زمانی که هنوز رژیم مزدور شاه به سیم آخرین زده بود، وقتی زندانیان سیاسی پس از شکنجه های بسیار در کمیته و اوین بزندان قصر فرستاده میشدند، پس از مدتی مسئولین زندان می گفتند: "کسی که در این زندان شما را شکنجه نکرده است؟ هیچکس حق ندارد کمترین بسد رفتاری را با شما داشته باشد" اما در حقیقت جلادان شکنجه های خود را در کمیته و ساواک داده بودند. امروز هم دوباره همین بازی ها تکرار میشود. رفاقی که امروزه بخاطر بخش اعلامیه و "کار ویا در بحثهای خیابانی دستگیر میشوند، در کمیته های جمهوری اسلامی مورد شکنجه و بدترین رفتارها قرار میگیرند و حتی در بازجویی ها نیز تشبیه با زوجه های ساواک، یک با زوجه در نقش یک جلاد تمام عیار ظاهر میشوند و شکنجه میدهد، دیگری با چهره ای برادرانه! و مهربان! سخن میگوید، حتی اکیب ها که گشتنی جمهوری اسلامی نیز مانند سازماندهی ساواک عمل میکنند و این روزها بسیار فعال شده و در ماشین های لوکس خود چند نفری در خیابانها، نیروهای

بقیه از صفحه ۸



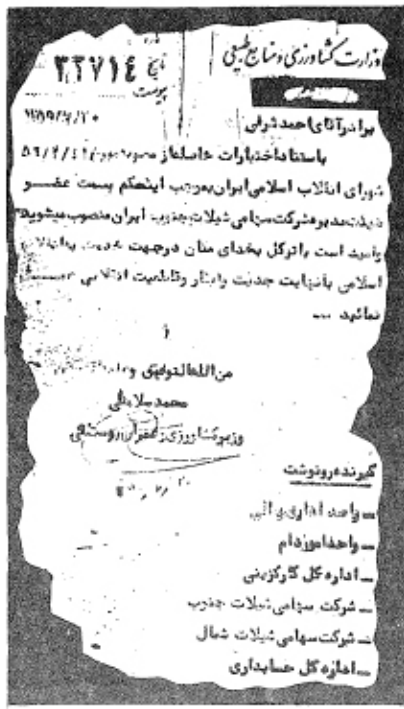
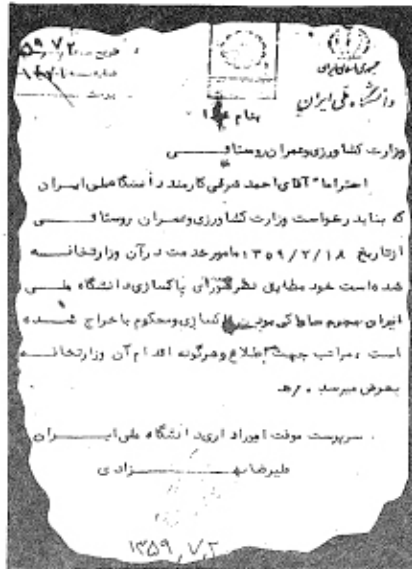


## ● چگونه ساواکی ها و ایدای و ابسته به رژیم سابق عضو هیئت های پاکسازی می شوند!

زحمتکشان مبین ما شور می کردند  
هاسرگونی رژیم مزدور شاه، پادشاه  
جناحداران ساواک و سرسردگان و  
مداحان رژیم به خرابی اعمال شکن  
شان خواهند رسید و تراشیده شده با  
کم خواهد شد. اما سرور در می با سدی که  
بجز چند نفری از شورترین و سزدر  
ترین آنها که زیر فشار رسیده ها بدارت  
شود رسیده، انبوهی از آنها با سجا  
منتخب دوباره به عنوان نگارنده اند،  
بسته های سیاسی گرفته اند و وظیفه  
پناستگارانه خود را علیه خود، بجای  
زحمتکشان و نیروهای مترقی با سده های  
دیگر ادامه می دهند، با در زیر پ  
آن اشاره می کنیم، که اعطای حمتنهای  
پاکسازی که در ظاهر بصدای پاکسازی  
ساواکیها و عساکر و ابسته به رژیم سابق  
تشکیل شده است، در واقع اسر خودشان  
ساواکی و ابسته به رژیم بوده اند و  
امروز دست با خراج و تصفیه نیروهای  
انقلابی میزند، خودشان ساواکی  
هستند. یک نمونه آن مرسوم به شخص  
بنام احمد شرفی، کارمند سابق  
دانشگاه ملی است جرم ساواکی بودن  
اخراج شد، اما اسرا زهنت پاکسازی  
وزارت کتا و رزی در می آورد و حمتن  
بنام دستور و برکتا و رزی، عضو هیئت  
مدیره شلات جنوب می بود.

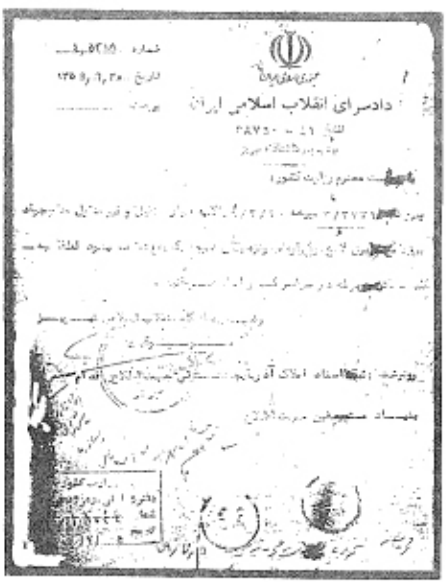
نمونه دیگر آن فردی بنام محمد  
شیرنگ بریدانی است که از خود موهن  
مصرفی است که کتابهای درسی و  
نمای آریا میری نوشته است و فرهنگیان  
و دانش آموزان رودبار خوبی ما هید  
بفشار این فرد را می ناسند، او سبب  
بعضی عضو هیئت پاکسازی دست به اخراج  
و تصفیه تعلیم آگاه و انقلابی میزند.  
این موارد نمونه های استثنائی  
نیستند، هموطنان زحمتکشان ما در هر کجا  
که هستند خود معینه سزده مانی از اس  
تصیل را شاهدند.

وقتی که بسیاری از عساکر و ابسته  
به رژیم سابق، و اسرا لیس در مناهای  
سیاسی دولتی قرار داده شده اند، وقتی  
که دولت نه از زوده ها و منافع آنها  
بلکه از سرمایه داران و همه تر و نندان  
دفاع کند، طبیعی است که با مسواری  
ساواک و عساکر و ابسته و مداحان و  
ابستگان به رژیم سرکون شده نیز  
عضو هیئت های پاکسازی خواهند بود  
بعضی تصفیه ساواکیها و عساکر و ابسته  
رژیم سابق نیروهای انقلابی را  
تصفیه کنند، بنا بر اس نشان دادن  
شونه مانی از این گونه و با معرفی  
این افراد از آ نیهت اهمیت دارد که  
شونده های زحمتکشان مبین ما بخوبی  
نظام حاکم و دولت جمهوری اسلامی  
را بشناسند.



## دولت جمهوری اسلامی سرمایه های دولتی شده را به سرمایه داران بازمی گرداند!

سندی را که ملاحظه می کنید مربوط به  
یکی از سرمایه داران معروف بنام  
حاج جواد برق لامع است که سابقا  
در از در حکومت مشغول به اشتغال  
و غارت زوده های زحمتکشان مبین ما  
مشتول بود و از طریق اشتغال رسیده  
های کارگزارش کلتانی بدست آورده  
بود. پس از همام سیم ماه زوده ها که  
بدرستی دریافت نمودند، بدون کوتاه  
شدن دست سرمایه داران از تصفیه  
کشور، و بر افتادن نظام سرمایه داری  
وابسته هیچگونه تغییری در وضعیت  
زندگی آنها پدید نخواهد آمد، محتوی  
انقلابی خواستار خلع سدا سرمایه  
داران وابسته و اداره و کنترل  
کارخانه ها توسط شوراهای کارگری  
بودند. اما دولت جمهوری اسلامی که  
اساسا از منافع سرمایه داران دفاع  
می کند، به حمله های مختلف متوسل شد،  
تا نظام سرمایه داری وابسته را از زیر  
ضربات خردکننده زوده ها نجات دهد  
تا دوباره سرمایه داران بتوانند همانند  
گذشته به اشتغال رکارگران ادامه  
بدهند.



## نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه د اخلیش